

ویژه نامه شبکه نشریات دانشجویان ایران

نبرد
آتش و اراده

بیت

کتابخانه

صاحب امتیاز:

شبکه نشریات دانشجویان ایران

نویسندگان:

یونس فرزین فرد، آرزو عباسی زاده کاجی، روزبه اشکور جیری، علیرضا کاویانپور، پارسا روزی خواه زاویه، فاطمه رضائی، حسین معتمدی، سیده اسما شمس الهی، ریحانه ستاروندی، محمد مهدی منصوری، محدثه رستمی، سوده طنازی، نرگس هراتی، خدیجه محمودی، زهرا فرزنامی، مرضیه ترابی گودرزی، زینب اخگر، شیدا شیروانی، حسین سروستانی، فاطمه زارع، زینب حسن پور پیربستی، فاطمه رشیدی احمدآبادی، نرگس خطیب دماوندی، نرگس معلمی، کوثر رستم پور فرد، سعید آزاد پیمان، محمد صادق روشنایی، محمد مهدی حسنی، فاطمه توکلی، زینب سلمان

ویراستاران:

علی پورآذر، معصومه صحت، فاطمه سادات رضوی

صفحه آرا و مدیر هنری:

فرزانه قربانی، مریم حاج آقا محمدی

 [stumag_ir](#)

  [stumag_iran](#)

 www.stumag.ir



فهرست

مطالب

- ۶.....سرمقاله
- ۸.....به نام پهلوی به کام اجنبی
- ۱۰.....در میانه غبار و حماسه
- ۱۱.....ایران بر لبه تاریخ
- ۱۲.....با عرض معذرت
- ۱۴.....خاموشی
- ۱۶.....روایت‌های جنگ و نقش رسانه
- ۱۹.....متحدین دیروز، رقبای امروز
- ۲۲.....افسران جنگ نرم
- ۲۴.....وقتی مردم مدافع وطن می‌شوند
- ۲۶.....انرژی مستقل اقتصاد مقاوم
- محور مقاومت، دیواری بلند در برابر پروژه‌های
- ۲۸.....تجزیه طلبانه
- ۳۰.....جدال ۲۰۰۰ ساله



- ۳۳ برای دختران میناب
- ۳۴ معلمان، معماران درک انسانی جنگ
- ۳۶ معلمان امید در سایه توپ و تفنگ
- ۳۸ ایران گورستان توطئه‌های آمریکا
- ۴۱ ملت؛ دژ نفوذناپذیر ایران
- ۴۴ بازیگران پنهان تاثیرات آشکار
- ۴۶ حمایت یا مداخله؟
- ۴۹ روایت‌های جنگ؛ نبردی در میدان ذهن‌ها
- ۵۱ معادلات قدرت در عصر هسته‌ای
- ۵۴ رسم رسانه
- ۵۶ فریاد تاریخ
- ۵۹ تبیین؛ موتور حرکت یک ملت
- ۶۱ الهیات نبرد
- ۶۳ از دیپلماسی تا اقدام نظامی
- ۶۵ بازار انرژی در دستان ایران
- ۶۷ هیئات منا الذله؛ ایستادگی در برابر سلطه
- دشمنی دیرینه با ایران؛ از فشار اقتصادی تا تلاش
- ۶۹ برای بی‌ثبات‌سازی



سرمقاله

درد دل آتش و آفتاب؛

یونس فرزین فرد | ادوار شورای مرکزی
ناظر بر نشریات وزارت علوم

ملتی که روایت خود را پس می‌گیرد

فراتر از محاسبات سطحی اتاق‌های فکر بوده است. یکی از کانون‌های این تحولات، اقتصاد انرژی است. هر تکانه امنیتی، بازارهای جهانی را به لرزه درمی‌آورد. افزایش قیمت نفت و گاز، یادآوری این حقیقت است که ثبات منطقه، شریان حیاتی اقتصاد جهانی است. اما آنچه کمتر در رسانه‌ها بازتاب دارد، نقش مردم در تولید این ثبات است. مردمی که مقاومت اقتصادی و عقلانیت اجتماعی را با هم جمع کنند، بازی را نه با ابزار نظامی، بلکه با ایستادگی مدنی تغییر می‌دهند؛ درسی که بسیاری از استراتژیست‌های جهانی هنوز نپذیرفته‌اند.

■ در سطح فرهنگی نیز میدان‌ها داغ‌تر از همیشه است. جنگ امروز بیش از هر زمان دیگری، جنگ تصویر، معنا و روایت است. مفاهیمی چون هویت ملی، استقلال، امنیت اجتماعی و حافظه تاریخی، به صحنه اصلی نبرد تبدیل شده‌اند. دشمنان یک ملت، اگر در گذشته به دنبال تسلط بر خاک بودند، امروز در پی تسلط بر ذهن‌اند؛ جایی که نقش مردم، به‌ویژه جوانان، اهمیت برجسته‌ای پیدا می‌کند.

■ نسل جوان ایران در مرکز این چرخش بزرگ ایستاده است. نسلی که با انبوهی از اطلاعات، روایت‌های موازی و عملیات رسانه‌ای گسترده مواجه است، اما برخلاف تصور رایج، از میدان تحلیل پا پس نکشیده است. این نسل، نه محافظه‌کارانه از گذشته دفاع می‌کند و نه ساده‌انگارانه از آینده می‌ترسد؛ بلکه به دنبال فهمی مستقل و تازه از اکنون است. دانشگاه‌ها امروز بیش از هر زمان دیگر به اتاق‌های فکر مردمی تبدیل شده‌اند؛

■ وقتی طوفان‌های تاریخ از فراز یک ملت عبور می‌کند، تنها کسانی که ریشه در حقیقت دارند می‌مانند و باقی در هیاهوی رسانه‌های زمانه گم می‌شوند. منطقه‌ای که امروز در آن زندگی می‌کنیم، دیگر تنها یک جغرافیا نیست؛ بلکه میدان عمومی آزمون ملت‌هاست. غرب آسیا، از خلیج فارس تا مدیترانه، به آوردگاه روایت‌ها، منافع و اراده‌ها تبدیل شده است؛ جایی که هر تنش، نه فقط خطوط سیاسی، بلکه ادراک مردم و حتی هویت نسل آینده را بازتعریف می‌کند. در چنین شرایطی، جامعه‌ای که تحلیل نکند، ناگزیر مصرف‌کننده روایت دیگران خواهد بود.

■ در سال‌های اخیر، فشارهای امنیتی و اقتصادی در کنار عملیات رسانه‌ای سنگین، منطقه را زیر سایه یک جنگ ترکیبی قرار داده است؛ جنگی که مرزش از میدان نبرد عبور کرده و تا ذهن و احساس مردم پیش رفته است. با این حال، تجربه نشان داده که ملت‌هایی با ستون فقرات اجتماعی مستحکم، نه تنها فرو نمی‌ریزند، بلکه از دل بحران دوباره متولد می‌شوند. تاب‌آوری اجتماعی ایران،

**جنگ امروز بیش از هر زمان
دیگری، جنگ تصویر، معنا
و روایت است.**

■ اگر همه این بخش‌ها □ اقتصاد انرژی، جنگ روایت‌ها، هویت فرهنگی، دانشگاه، رسانه و آموزش _ در کنار هم قرار گیرند، تصویری روشن از وضعیت کنونی منطقه و آینده ملت‌ها شکل می‌گیرد. منطقه ما امروز درگیر رقابت‌های سنگین است، اما ملت‌هایی پیروز خواهند شد که بتوانند از دل آشوب، معنا و مسیر بسازند؛ ملت‌هایی که فشار را به فرصتی برای خود آگاهی تبدیل می‌کنند.

■ نشریه‌ای که در دست شماست، تلاشی دانشجویی در همین مسیر است؛ تلاشی برای روایت دوباره واقعیت‌های پیچیده زمانه، با نگاهی مسئولانه و پرسش‌گر. ما نمی‌خواهیم تنها شاهد تحولات باشیم؛ بلکه تلاش کرده‌ایم آن‌ها را بفهمیم، لایه‌های پنهانشان را آشکار کنیم و تصویری فراتر از هیاهوی رسانه‌ای ارائه دهیم.

■ اگر می‌خواهید این تصویر را کامل‌تر ببینید، مقالات این شماره را با تأمل دنبال کنید. پاسخ بسیاری از پرسش‌های امروز، شاید درست در همین صفحات نهفته باشد؛ جایی که روایت رسمی، غیررسمی و مردمی یک جامعه تلاقی می‌کنند و آینده از دل گفت‌وگوی نسل جوان شکل می‌گیرد.

جایی که دانشجویان روایت رسمی، غیررسمی و تحریف‌شده را کنار هم می‌گذارند و از میان آن، فهمی اجتماعی و بومی استخراج می‌کنند.

■ میدان آموزش نیز اهمیت فراوانی دارد. معلمان و نظام آموزشی، حاملان نخستین تصویر نسل آینده از جهان‌اند. اگر آموزش، حقیقت و تحلیل را به دانش‌آموز منتقل کند، او در برابر بحران‌ها و عملیات روانی، انسانی فعال خواهد بود و نه منفعل. جامعه‌ای که از مدرسه تا دانشگاه در مسیر آگاهی حرکت کند، حتی در بدترین شرایط نیز قدرت اجتماعی خود را از دست نمی‌دهد.

■ رسانه‌ها اما قلب تپنده این میدان‌اند. نقش رسانه‌ها در جنگ روایت‌ها، فراتر از انتشار خبر است. هر جمله، هر تحلیل، هر تصویر و هر برجسته‌سازی می‌تواند مسیر ذهن یک ملت را تغییر دهد. از همین رو، رسانه مسئول، رسانه‌ای است که نه دنباله‌رو هیجان، بلکه وفادار به حقیقت باشد. جامعه‌ای که رسانه‌های آگاه و متعهد داشته باشد، در برابر طوفان‌های خبری دچار استیصال نخواهد شد.



به نام پهلوی به کام اجنبی

نبردی بی‌مرز میان حقیقت و تصویر؛ جوان امروز و آزمون آگاهی

پیشبرد اهداف خود و ضربه زدن به این نظام مقدس طراحی کرد؛ جنگی که از شکاف‌های عقیدتی پدید آمده سوءاستفاده می‌کند، اما در عین حال به خوبی می‌داند که عرق ملی در میان ایرانیان زنده است. از همین رو می‌کوشد با بازگشت به دوران خفقان پهلوی، با حفظ ظاهری از "ریشه‌ی ایرانی"، نظام را در ذهن‌ها مخدوش کرده و در نهایت، با برجسته‌سازی سطحی بُعد "آریایی"، به اهداف شوم خود برسد.

■ بهترین حربه برای تحریک غیرت ایرانی در چنین شرایطی، جداسازی نام‌های «ایرانی» از «اسلامی» است؛ اقدامی که سلاح اصلی آن، رسانه و به‌ویژه فضای مجازی است. در این مسیر، دشمن با ساختن بُنی از خاندان پهلوی و بازنمایی فریبنده از آن دوران و نیز با هجوم انبوه افکار غربی از طریق برنامه‌های فارسی ساخته‌شده در خارج از کشور، ذهن جوان ایرانی را ملعبه می‌سازد و فضای فکری جامعه را متشنج‌تر از پیش می‌کند.

■ اکنون با نسلی روبه‌رو هستیم که با پویانمایی‌هایی مانند «سیندرلا» رشد کرده، با تنبیه‌ها و توصیه‌های مقتدرانه‌ی والدین روبه‌رو شده و نهایتاً به فضای به‌ظاهر سرگرم‌کننده‌ی مجازی پناه برده است؛ فضایی که در عمل، برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند در جهت سلطه‌ی فکری شبکه‌های معاند عمل می‌کند. ما عادت‌ی دیرینه داریم: ابتدا دستاوردی به دست می‌آوریم و سپس برای استفاده‌ی درست از آن به آموزش و آگاهی می‌پردازیم؛ عادت‌ی که در کشورهای غربی مشاهده نمی‌شود. درحالی‌که برخی از جوانان ایرانی امروز درگیر جنگ روانی

■ در بحبوحه‌ی جنگ سخت، اگر اندکی تأمل کنیم، نکته‌ای مهم خود را آشکار می‌سازد؛ پدیده‌ای که از آن با عنوان جنگ نرم یاد می‌شود؛ جنگی که تمام‌قد متوجه افشار اثرگذار جامعه است و بیش از همه، نسل جوان را هدف گرفته است. در این میان، فضای نامطمئن و پرهیاهوی مجازی، اصلی‌ترین درگاه ورود این تهاجم محسوب می‌شود.

■ هدف جنگ نرم، به زنجیر کشیدن کشور مورد تهاجم و تحقق خواست کشور مهاجم است؛ به‌گونه‌ای که دشمن، بدون نیاز به هزینه‌ی نظامی و رویارویی مستقیم، به مقاصد خود برسد.

■ جنگ نرمی که پس از ناکامی دشمن در ترورهای متعدد و جنگ تحمیلی، از سال‌های گذشته تمام‌عیار متوجه نسل خاکستری و به‌ویژه جوانان کشور ما شده است.

جنگی با رمز و نام پهلوی، اما به کام اجنبی؛ جنگی که رسانه‌های معاند، آن را وارونه جلوه می‌دهند تا چنین القا کنند که این نبرد به سود ایران و در راستای استقلال آن است.

■ در حقیقت، نسل جوان ایرانی زمانی درگیر جنگ سخت شد که پیش‌تر، جنگ روانی سهمگینی را پشت سر گذاشته بود؛ جنگی که دشمن برای



دشمن‌اند، جوان غربی آگاهانه در مسیر اهداف کشور خود گام برمی‌دارد؛ چراکه او از کودکی، آموزش هدفمند می‌بیند؛ اما حقیقت از او پنهان می‌شود و در پوششی چندلایه کتمان می‌گردد. در مقابل، همین حقیقت پنهان‌شده به صورت تحریف‌شده و فریبنده، با ظاهری به‌حق، به جامعه‌ی ایران تزریق می‌شود. این، حقیقت جنگی ناعادلانه است علیه تمامیت ارضی ایران؛ جنگی با رمز و نام پهلوی، اما به کام اجنبی؛ جنگی که رسانه‌های معاند، آن را وارونه جلوه می‌دهند تا چنین القا کنند که این نبرد به سود ایران و در راستای استقلال آن است. اما اندکی بعد، هنگامی که دشمن به اهداف خود نزدیک می‌شود، همان جوان ناآگاه را قربانی نخست می‌سازد. جوانی که از رسانه شناختی ندارد، پلی می‌شود برای آشوب، بی‌آنکه بداند چگونه فریب خورده است.

■ رسانه‌ای که حتی ریختن خون صدها دانش‌آموز بی‌گناه را توجیه می‌کند و در برابر آن سکوت پیشه می‌سازد؛ همان دانش‌آموزانی که نسل فردای این سرزمین‌اند و قرار است آینده‌ی ایران را بسازند؛ اما در آغاز زندگی، قربانی نخست دشمنانی می‌شوند که دم از آزادی، رفاه و پیشرفت می‌زنند.

■ دانش‌آموزانی که آخرین اردویشان، به جای مکانی علمی و پژوهشی، قبرستان می‌شود و این جای تأمل دارد که چرا نسلی باید چنین بی‌رحمانه مورد هجوم قرار گیرد و در خون غلتد، در حالی که دشمن با ابزار رسانه، آزادانه ذهن‌های بلاتکلیف را به چنگ می‌آورد.

دخترم در خاک میناب آرمید؛
گنج ایران، این چنین یادش کنید



دخترم خوابیده تا خاکش کنید
کوچک است او، بیشتر نازش کنید

خاک نرمی زیر رخسارش زنید
برگ گل مائد؛ تماشایش کنید

مادرش امشب کنارش نیست؛ وای
در نبودم، ای ملک، حفظش کنید

اولین بار است تنها رفته او...
استرس دارد، در آغوشش کنید

در میانه غبار و حماسه

ایران برل

روزبه اشکور جیری

مردم؛ میان تأمل و بیداری

مردم در چنین لحظه‌ای در حال تأمل اند؛ تأملی عمیق درباره آینده و تجربه تاریخی خود. این وضعیت شبیه هوایی است که پیش از باران سنگین، حالتی از سکون و انتظار را در خود دارد. فشارهای اقتصادی و شرایط جنگی، در کنار حجم بالای خبرها، خستگی روانی ایجاد کرده است، اما زیر این سکوت، نشانه‌های بیداری و توجه اجتماعی به خوبی نمایان است؛ زمزمه‌هایی که هر روز روشن‌تر شنیده می‌شوند.

سیاست و نهادها؛ ثبات در عمل

در این مقطع حساس، اهمیت هماهنگی میان نهادهای کشور بیش از گذشته روشن می‌شود. نهادهای نظامی، سیاسی و اجتماعی در تلاش اند نظم و ثبات موجود را حفظ کنند. نظم سیاسی ایران همواره بر پایه «وحدت» شکل گرفته و اکنون این اصل بیش از هر زمان دیگری نمایان است. پایداری نظام بیش از هر چیز از تعامل مردم و ساختارها حاصل می‌شود.

اقتصاد؛ زندگی و امید

تحریم‌ها و فشارهای خارجی، همراه با سختی‌های جنگ، زندگی اقتصادی مردم را تحت تأثیر قرار داده است. در چنین شرایطی، یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های یک جامعه «باور به امکان ادامه زندگی و پیشرفت» است. این باور، همراه با نهادسازی اقتصادی و همکاری میان کسب‌وکارهای خرد و کلان، می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای از دل بحران بسازد و امید اجتماعی را تقویت کند.

در روزهایی که غبار جنگ بر افق سرزمین نشسته و صدای انفجار سکوت شهرها را می‌شکند، ایران در یکی از لحظه‌های مهم تاریخ خود ایستاده است؛ میان گذشته‌ای پر از تجربه و آینده‌ای که هنوز شکل نگرفته است. شهادت رهبر انقلاب رخدادی بزرگ در حافظه جمعی و فضای سیاسی کشور است، اما مسیر کشور همچنان بر پایه ساختارها، مردم و تجربه تاریخی ادامه می‌یابد. این لحظه، نه پایان، بلکه فرصتی برای نشان دادن انسجام و توان ملی است.

آزمون انسجام و همکاری

رهبر انقلاب طی دهه‌ها نقش هدایت کلان کشور را ایفا کرده است و فقدان او، هرچند ضایعه‌ای سنگین، فرصتی است تا ظرفیت نهادها، مردم و همکاری اجتماعی نمایان شود. در چنین لحظه‌ای، بازآرایی و هماهنگی میان نهادها و گروه‌های اجتماعی نه از سر اضطرار، بلکه برای استمرار مسیر تاریخی کشور ضروری است. این آزمون، نشان می‌دهد که ایران از تجربه، انسجام و فرهنگ خود، توان عبور از دشواری‌ها را دارد.

مسیر آینده بیش از هر چیز بر تعامل جامعه با ساختارها و ظرفیت‌های داخلی شکل می‌گیرد.

به تاریخ

ایران در نگاه جهانی

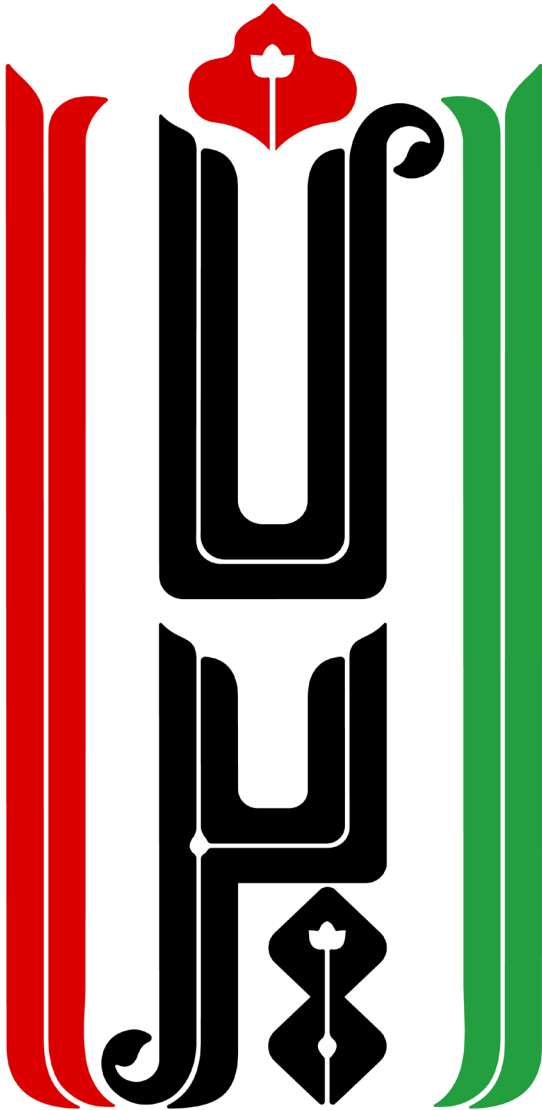
در عرصه جهانی، ایران در مقطعی حساس قرار دارد. قدرت‌های بزرگ رویکردی محتاطانه اتخاذ کرده‌اند؛ از یک سو نگران بی‌ثباتی منطقه‌ای‌اند و از سوی دیگر منتظر تحولات آینده هستند. با این حال، جایگاه کشورها تنها در قدرت نظامی و سیاسی نیست؛ بلکه در ظرفیت فرهنگی و تاریخی نیز سنجیده می‌شود. ایران همچنان حامل میراثی فرهنگی و تمدنی است که حتی در دل بحران، الهام‌بخش می‌تواند باشد.

آینده؛ میان ابهام و امکان

چشم‌انداز آینده ایران نه کاملاً تیره است و نه روشن؛ بلکه در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، همچون افقی که در میان مه، خطوط آن هنوز ترسیم نشده‌اند ولی امید به بازسازی و تداوم مسیر کشور زنده است؛ امیدی محتاطانه اما روشن. مسیر آینده بیش از هر چیز بر تعامل جامعه با ساختارها و ظرفیت‌های داخلی شکل می‌گیرد. ثبات در چنین بزنگاه‌هایی معنای تازه‌ای می‌یابد؛ نه بازگشت ساده به گذشته، بلکه ادامه هوشمندانه مسیر تاریخی.

در پایان؛ خاکستر و گل

ایران سرزمینی است که بارها در مقاطع دشوار تاریخ ایستاده و هر بار از دل همان دشواری‌ها مسیر تازه‌ای برای خود ساخته است. امروز نیز همین نیروی فرهنگی و تاریخی - وحدت، حافظه جمعی و آگاهی اجتماعی - می‌تواند راه عبور از این مرحله را هموار کند. در میانه غبار و حماسه، آن کس که هنوز به گفت‌وگو، وحدت و ایمان باور دارد، سهمی در ساختن فردای این سرزمین دارد.



با عرض معذرت

علیرضا کاویانپور | کارشناسی دبیری هنر
دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی قزوین

جنگ ایران و اسرائیل چه تاثیری بر ملیت و فرهنگ مردم منطقه گذاشته است

فرمانروای دریاها



شکاف فرهنگی باعث شده مفهوم «امت اسلامی» و آزادگی، به صورت شعاری و نه رفتاری و عملی باقی بماند. از سوی دیگر، مقاومت فرهنگی در ایران، لبنان و مناطقی از عراق، با وجود خستگی و فشار اقتصادی، همچنان ریشه در احساس استقلال و آرمان‌گرایی تاریخی دارد.

■ حکومت‌های عرب منطقه، از ترس فروپاشی اقتصادی و داخلی، بی‌طرفی مصلحتی را انتخاب کرده‌اند. مردمشان در بحران معنا و آرمان افتاده‌اند؛ دیگر نمی‌دانند دشمنشان کیست؛ آمریکا و اسرائیل یا ایران؟ به احتمال زیاد می‌دانند؛ اما خودشان را به نفهمیدن می‌زنند و نفعشان در همین نفهمیدن است؛ اما اگر همچنان به این نفهمی ادامه دهند، به آن‌ها خواهیم فهماند.

■ ایران در میدان فرهنگی، اگرچه زیر فشار است، اما از لحاظ هویت مقاومتی، تنها کشوری است که هنوز مفاهیمی به نام آرمان، آزادگی، غیرت و مردانگی را زنده نگه داشته است، هرچند با هزینه‌های بسیار.

■ جنگ ایران و آمریکا رویدادی ژئوپلیتیکی بی‌سابقه است که ساختار نظامی، ذهنی و فرهنگی منطقه غرب آسیا را تکان داده است. در این ماجرا، دو میدان آشکار وجود دارد:

۱. میدان نظامی-ژئوپلیتیک که شامل تقابل مستقیم ایران و آمریکا و واکنش دولت‌های منطقه است.
۲. میدان فرهنگی-روان‌شناختی که بازتابی از احساسات، باورها، و هویت ملی و مذهبی مردم منطقه است.

■ نخست، از حیث اول، جبهه‌گیری کشورهای منطقه را بررسی می‌کنیم. کشورهای حوزه خلیج فارس اکنون خوش‌خدمتی به آمریکا را بر همبستگی مذهبی و حمایت از آزادگی ترجیح می‌دهند و سکوت سنگینی کرده‌اند تا از درگیری مستقیم با ایران در امان بمانند. یعنی سیاستشان از ایدئولوژیک به محاسباتی و بقاگرایانه تغییر کرده است؛ اما آنان در این مقطع دچار یک خطای محاسباتی شده‌اند؛ زیرا همین استراتژی محاسبه‌گرایانه‌شان چندی دیگر بر زمین خواهد خورد و آنان می‌مانند و روسیاهی‌شان در منطقه. کدام انسان آزاده‌ای اجازه می‌دهد از حریم هوایی کشورش برای بمباران یک دبستان استفاده شود؟ اما برخلاف این کشورهای سست‌عنصر، ایران بار ایدئولوژیک بسیار قوی دارد؛ خود را محور مقاومت معرفی می‌کند و ترجیح می‌دهد آزادگی‌اش زیر سوال نرود.

■ کشورهای دیگری نیز در این میان وجود دارند؛ مانند ترکیه و قطر، که نقشی دوگانه ایفا می‌کنند؛ ظاهراً ضداسرائیلی و حامی آزادی، اما در عمل، حافظ منافع اقتصادی و سیاسی خود و البته آمریکا. قطر با هویت رسانه‌ای‌اش، یعنی الجزیره، خود را رادیکال جلوه می‌دهد، ولی در پشت پرده... ترکیه نیز در نوسان میان اسلام‌گرایی پوپولیستی و منافع ناتو است.

■ در این میان، بسیاری از مردم منطقه واکنش احساسی نشان می‌دهند، اما در عمل، مشارکت سیاسی یا مقاومت فعالی دیده نمی‌شود. این

کدام انسان آزاده‌ای اجازه می‌دهد از حریم هوایی کشورش برای بمباران یک دبستان استفاده شود؟



وشی

پارسا روزی خواه زاویه | آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فرهنگیان تهران



خام

خواهد کرد. حال اگر یک یا چندی از این نقاط به طور کامل از دسترس خارج شوند چه؟ در پی حملات ناجوانمردانه آمریکا و اسرائیل به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران، یکی از این نقاط و شاید حتی مهمترینشان توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای بسیاری از شناورها مسدود و غیرقابل دسترسی شد؛ اتفاقی که تنها در روز اول باعث کاهش تولید نفت و حتی در برخی دیگر کشورها باعث توقف تولید نفت شد. تنش در تنگه هرمز تنها به منزله‌ی کاهش و یا حتی توقف تولید نفت و گاز در کوتاه، میان و بلندمدت نیست؛ بلکه علاوه بر این قبیل نکات، یک اقتصاد جهانی نیز کوچک‌تر می‌شود چرا که تقریباً همه‌ی تولیدات جهانی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم به مشتقات نفتی نیازمندند و این گذرگاه قطب و شریان حیات تجارت نفتی دنیاست.

■ چراغ‌های خاموش، ماشین‌های رهاشده در سطح شهر و مردمی که در عذابند؛ کارخانه‌هایی که کار نمی‌کنند؛ مردمی که برای رفع نیازهای اولیه رو به سوزاندن هیزم آورده‌اند. این توصیف کم و بیش دنیای ما بدون نفت و مشتقات آن است؛ دنیایی تاریک.

■ پس از احداث کانال سوئز و کشف نفت در مناطق غربی آسیا هر درگیری و نبردی که در خاورمیانه به وقوع پیوست، برای اقتصاد جهانی دارای اهمیتی کلان‌تر شد. چرا که محموله‌ها تا قبل از احداث کانال، باید برای رسیدن به اروپا به سفری دورودراز به دور سواحل آفریقا می‌رفتند؛ اما کانال سوئز، مسیر دریایی را تا حد بسیار زیادی کاهش داد. پس از کشف نفت در خاورمیانه این مسیر برای انتقال دریایی نفت به سرزمین‌های غربی نیز استفاده شد. اما شروع مسیر دریایی نفت از کانال سوئز نبود؛ بلکه نفت‌کش‌ها برای رسیدن به اروپا باید از تنگه‌های هرمز و باب‌المندب نیز عبور می‌کردند؛ به همین سبب اهمیت این دو تنگه تا حد بسیاری با کانال سوئز برابری می‌کرد و هرکس بر این سه تنگه حاکم بود، عملاً حاکم بر حجم گسترده‌ای از اقتصاد جهانی نیز بود؛ به این علت ابرقدرت‌ها در تلاش برای کنترل روزافزون این مناطق بوده و هستند، از بریتانیا گرفته تا آمریکا.

قیمت گاز در اروپا تنها پس از چند روز از بسته شدن تنگه هرمز تا ۶۰ درصد افزایش داشته است و پیش‌بینی می‌شود که این رشد صعودی باقی بماند.

■ قطر به عنوان تولیدکننده ۵۰ درصد گاز مایع جهان شناخته می‌شود و به سبب درگیری‌ها، تمامی تولیداتش را متوقف کرده است. عراق نیز به سبب پیرشدن مخازن ذخیره نفتی، تولیداتش را به صفر درصد کاهش داده است.

■ تصور کنید بنابر علی یک یا چند منطقه از این نقاط حیاتی اقتصاد جهانی امن نباشند؛ چه اتفاقاتی رخ می‌دهد؟ نظیر آن را در درگیری‌های سال‌های اخیر یمن و آمریکا و اسرائیل در تنگه باب‌المندب و یا جنگ‌های اعراب و اسرائیل و درگیری‌ها در صحرای سینا در سال ۱۹۵۶ دیدیم؛ به طوری که حتی گفته می‌شد شوروی نیز دخالت

■ اسرائیل نیز بخش عمده‌ای از انرژی مورد نیازش را از طریق خط لوله باکو-جیحان تامین می‌کند؛ خط لوله‌ای که نفت قفقاز را به سواحل مدیترانه می‌رساند و ماشین جنگی صهیونیست‌ها را تغذیه می‌کند. آمریکا نیز قبل از شروع جنگ برای مقابله با کسری نفت به ونزوئلا حمله کرد و ریاست جمهوری‌شان - نیکولاس مادورو - را ربود تا نفت آنان را به چنگ بیاورد.

■ با این همه قیمت حامل‌های انرژی به خصوص نفت و بنزین بیشتر و بیشتر می‌شود و این مهم ثبات اقتصادی جهان را از بین برده است و علاوه بر آمریکا و اسرائیل، کشورهای متعددی را به سمت ضررهای سنگین مالی و حتی ناآرامی‌های اجتماعی می‌برد. این نکات نشانگر عدم امکان تداوم حمله متخاصمان به کشورمان است؛ حال ما نیز

باید با قدرت این مسیر را ادامه دهیم
تا یک بار برای همیشه
در مقابل دشمن به
پیروزی دست
یابیم.

شرکت نفت عربی و آمریکایی (Arabian American oil Company) یا به‌طور خلاصه آرامکو نیز در این درگیری‌ها آسیب زیادی دیده است. قیمت نفت و گاز رشد چشمگیری داشته است؛ به‌طوری که قیمت گاز در اروپا تنها پس از چند روز از بسته شدن تنگه هرمز تا ۶۰ درصد افزایش داشته است و پیش‌بینی می‌شود که این رشد صعودی باقی بماند.

■ حال در این میان دولت‌های غربی به خصوص اروپایی‌ها (که جز اندک ذخایر نفتی دریای شمال ذخایر دیگری ندارند) به دنبال جایگزین‌هایی برای گاز مصرفی‌شان هستند؛ اما درگیری‌های روسیه و اوکراین و هدف قرار گرفتن خط لوله نورد استریم (که گاز فدراسیون روسیه را به اتحادیه اروپا و به طور خاص آلمان صادر می‌کرد) توسط ناتو در شروع درگیری‌ها، باعث شده است تا آن‌ها به خطوط انرژی قدیم شوروی روی بیاورند؛ روسیه شروع و بلاروس از سپس بعد از ورود به دو مسیر جداگانه به سوی اروپای شرقی کشیده می‌شوند.

باید دید که روس‌ها از اروپاییان حمایت می‌کنند یا خیر؟



ونقش رسانه

میدان نبرد جدید سیمای جنگ‌های نیابتی در
قاب دوربین رسانه و فید شبکه‌های اجتماعی

فاطمه رضائی | آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان اراک

روایت‌های جنگ

است؛ استراتژی که هدف آن مشروعیت بخشی به سیاست‌های فشار و تحریم بوده است.

■ در سوی دیگر، رسانه‌های ایرانی مانند صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، خبرگزاری فارس یا تسنیم، تصویر کاملاً متفاوتی می‌سازند. آنان بر مفاهیمی همچون استکبارستیزی، مقاومت فعال و دفاع مشروع تأکید می‌کنند. در این روایت ایران نه به‌عنوان تهدید، بلکه به‌عنوان مدافع حقوق خود در مقابل سیاست‌های تجاوزگرانه آمریکا و اسرائیل معرفی می‌شود. این رسانه‌ها جنگ را نه صرفاً یک درگیری نظامی، بلکه مبارزه‌ای تمدنی و دفاع از هویت ملی و استقلال کشور می‌دانند.

■ انتخاب سوژه‌ها،

تصاویر شهدا،

نمایش مقاومت

مردم غزه و بازنمایی

قدرت موشکی ایران

همه با هدف

شکل دادن به

تصویری مقاوم

و حق طلبانه از ایران

انجام می‌شود.

■ هر دو سوی این نبرد

رسانه‌ای با استفاده از

تکنیک‌های مشابهی

چون گزینش اطلاعات

(Selection Bias)

قاب‌بندی خبر و (Framing)

■ در دوران مدرن، مفهوم جنگ از نبردهای میدانی و تسلیحات نظامی فراتر رفته و به عرصه‌ای نرم‌تر اما به مراتب تأثیرگذارتر وارد شده است. در جهان امروز آنچه افکار عمومی را شکل می‌دهد نه صرفاً بمب و موشک بلکه تصویری است که رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی از وقایع می‌سازند. از زمان بروز تنش‌های شدید میان ایران و کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا و اسرائیل، نبرد اصلی، دیگر فقط در خاک خاورمیانه جریان ندارد؛ بلکه در فضای مجازی در قاب تلویزیون‌ها و در ذهن مردم در سراسر جهان در حال وقوع است. فی الحال این متن نقش رسانه‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی را در شکل‌دهی به درک عمومی از این تقابل‌ها بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه این دو بستر به میدان‌های جدید جنگ تبدیل شده‌اند؛ و چگونه آمریکا و اسرائیل از این میدان برای وارونه و جعلی نشان دادن واقعیت به نفع اهداف خود بهره می‌برند.

■ سیطره روایت‌های جریان اصلی

رسانه‌های سنتی سال‌هاست که ستون فقرات شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی محسوب می‌شوند. در پوشش‌های مربوط به ایران و درگیری‌های منطقه‌ای شبکه‌های بزرگ بین‌المللی مانند CNN، BBC و Fox News معمولاً تأکید خود را بر خطرات رفتارهای بی‌ثبات‌کننده ایران می‌گذارند. روایت غالب در این رسانه‌ها تصویری از ایران به‌عنوان یک تهدید منطقه‌ای حامی گروه‌های شبه‌نظامی و جاه‌طلب هسته‌ای ارائه می‌دهد. این انتخاب سوژه و زاویه دید، بخش جدایی‌ناپذیر از استراتژی رسانه‌ای غرب



کاربران عادی، فعالان سیاسی و حتی خبرنگاران شهروندی با استفاده از ابزارهایی مانند تلفن همراه و اینترنت توانسته‌اند روایت‌های جایگزینی را در برابر رسانه‌های رسمی مطرح کنند.

■ در پلتفرم‌هایی چون X، توئیتر سابق، تلگرام و اینستاگرام سرعت انتشار اطلاعات و امکان دور زدن سانسور به شکل چشمگیری قدرت گرفته است. ویدئوهای کوتاه از مناطق درگیری، گزارش‌های لحظه‌به‌لحظه از چشم مردم عادی و جریان‌های خبری مردمی تصویرهایی زنده از میدان نبرد ارائه می‌دهند؛ تصاویری که گاه بسیار تأثیرگذارتر از گزارش‌های رسمی هستند. این تحولات سبب شده که مرز میان واقعیت و تصویر رسانه‌ای بیش از پیش مبهم شود.

هم‌ذات‌پنداری تصویری سعی در تحمیل زاویه نگاه خود بر افکار عمومی دارند. نتیجه این روند شکل‌گیری دو تصویر کاملاً متفاوت از یک واقعیت واحد است؛ تصاویری که در ذهن مخاطبان داخلی و خارجی دو روایت متضاد و گاه غیرقابل آشتی ایجاد می‌کند. به‌طور مثال در این رسانه‌ها همیشه از ایران به نام جنگ‌افروز نام برده می‌شود درحالی‌که همه می‌دانیم ایران، تاکنون آغازگر هیچ جنگی نبوده و این آمریکا و اسرائیل بودند که حمله و تجاوز به تمامیت عرضی ایران اسلامی را آغاز کرده‌اند و نام جنگ‌های خود را هم به برقراری صلح نوین جهانی نام‌گذاری کرده‌اند.

■ انقلاب روایت در شبکه‌های اجتماعی

با ظهور شبکه‌های اجتماعی توازن قدرت رسانه‌ای به‌طرز چشمگیری تغییر کرد. فضای دیجیتال به مردم امکان داد تا خود روایتگر باشند و دیگر تنها مصرف‌کننده اطلاعات از منابع رسمی نباشند.

رسانه‌های ایرانی جنگ را نه صرفاً یک درگیری نظامی، بلکه مبارزه‌ای تمدنی و دفاع از هویت ملی و استقلال کشور می‌دانند.

■ اما شبکه‌های اجتماعی تنها ابزار آزادی بیان نیستند؛ بلکه به صحنه جنگ نرم جدیدی بدل شده‌اند. هر دو طرف درگیری‌ها از دولت‌ها گرفته تا گروه‌های سیاسی و حتی بازیگران غیردولتی از این شبکه‌ها برای تبلیغات هدفمند، انتشار محتوای دست‌کاری شده (Manipulated Content) و عملیات روانی استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال انتشار هم‌زمان صدها پست با هشتک‌های خاص یا ساختن روایت‌های هماهنگ شده می‌تواند جهت‌دهی احساسات عمومی را در یک بازه زمانی کوتاه تغییر دهد.

■ الگوریتم‌های پلتفرم‌ها نیز این وضعیت را پیچیده‌تر کرده‌اند. الگوریتم‌ها تمایل دارند محتوایی را برجسته کنند که بیشترین تعامل لایک به اشتراک‌گذاری یا دیدگاه را دارد نه الزاماً



■ در این جنگ، چند لایه مرز میان خبرنگار، تحلیلگر و فعال سیاسی تقریباً از بین رفته است. هر پست، توییت یا استوری می‌تواند به ابزاری برای تغییر برداشت عمومی از یک واقعه خاص بدل شود. مخاطب امروز دیگر منفعل نیست؛ او در فرایند بازنویسی روایت‌ها مشارکت می‌کند، گاه با نیت آگاهانه و گاه ناخواسته.

■ امروز نبرد روایت‌ها بخش جدایی‌ناپذیر از هر درگیری نظامی است. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نه تنها گزارشگر رخدادها، بلکه بازیگران فعال جنگ ادراکی (Cognitive Warfare) هستند. درک عمومی از تقابل ایران با غرب بیش از آن که بر داده‌های واقعی مبتنی باشد، از روایتی سرچشمه می‌گیرد که بهتر روایت و گسترده‌تر بازنشر شده است.

■ در چنین شرایطی آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، سواد رسانه‌ای است؛ مهارتی که به افراد امکان می‌دهد میان واقعیت و تبلیغ میان خبر و تفسیر تمایز قائل شوند. هر مخاطب امروز خود باید یک روزنامه‌نگار نقاد باشد، چرا که در میدانی که روایت به سلاح بدل شده بی‌تفاوتی یا ساده‌باوری همان تسلیم شدن است.

دقیق‌ترین یا درست‌ترین محتوا را؛ که این امر پدیده‌ای به نام اتاق پژواک (Echo Chamber) ایجاد کرده است. کاربران در این فضا معمولاً تنها روایت‌هایی را می‌شنوند که با پیش‌فرض‌های ذهنی‌شان هم‌خوانی دارد و کمتر در معرض دیدگاه‌های متفاوت قرار می‌گیرند.

■ در نتیجه به جای نزدیک شدن به درک مشترک از واقعیت جوامع در دو قطب کاملاً مجزا از حقیقت زندگی می‌کنند. نبرد بر سر واقعیت در بحران‌های اخیر از تنش در خلیج فارس تا جنگ‌های نیابتی در منطقه شبکه‌های اجتماع، نقش دوگانه‌ای ایفا کرده‌اند هم ابزار روشننگری بوده‌اند و هم زمینه‌ساز گسترش شایعات. برای نمونه در مواردی شاهد بوده‌ایم که فیلم‌های قدیمی یا دست‌کاری شده به‌عنوان شواهد جدید پخش می‌شوند و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در مقابل خبرنگاران مستقل و نهادهای راستی‌آزمایی (Fact checking) نیز از همین فضا برای مقابله با اخبار جعلی بهره می‌برند.

کاربران در این فضا معمولاً تنها روایت‌هایی را می‌شنوند که با پیش‌فرض‌های ذهنی‌شان هم‌خوانی دارد و کمتر در معرض دیدگاه‌های متفاوت قرار می‌گیرند. در نتیجه به جای نزدیک شدن به درک مشترک از واقعیت جوامع در دو قطب کاملاً مجزا از حقیقت زندگی می‌کنند.



متحدین دیروز، رقبای امروز

نگاهی به روابط استراتژیک ایران با آمریکا و اسرائیل

حسین معتمدی | آموزش علوم تجربی،
دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر اراک

مثبت نداد. با این حال، روابط اقتصادی پنهان از دهه ۱۹۵۰ شروع شد، چون هر دو کشور در برابر تهدیدات عربی-ناسیونالیستی مثل ناصریسم، منافع مشترکی داشتند.

عصر محمد رضا شاه: اوج همکاری استراتژیک

دوران طلایی روابط با هر دو کشور، زمان محمدرضا پهلوی بود. آمریکا بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (که با حمایت CIA علیه مصدق انجام شد)، ایران را به عنوان "ژاندارم خلیج فارس" دید. شاه نفت را در اختیار غرب گذاشت و در ازای آن، تسلیحات پیشرفته مثل جنگنده‌های اف-۱۴ گرفت. بازدید ریچارد نیکسون از تهران در ۱۹۷۲، نماد این دوستی بود. آمریکا میلیاردها دلار کمک نظامی کرد و ایران را به عنوان متحد ضدکمونیستی تقویت کرد. اسرائیل نیز شریک استراتژیک شد. از ۱۹۵۰، روابط غیررسمی شروع شد و در ۱۹۶۰ به رسمی رسید.

این روابط که ریشه در دوران قاجار دارد، از همکاری‌های استراتژیک در زمان پهلوی به دشمنی عمیق بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تبدیل شده است.

■ روابط ایران با ایالات متحده آمریکا و اسرائیل، یکی از پیچیده‌ترین فصل‌های دیپلماسی خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. این روابط که ریشه در دوران قاجار دارد، از همکاری‌های استراتژیک در زمان پهلوی به دشمنی عمیق بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تبدیل شده است. بررسی این تاریخچه نه تنها به درک تنش‌های فعلی کمک می‌کند، بلکه نشان‌دهنده نقش ژئوپلیتیک ایران در منطقه است. در این مقاله، سعی داریم با تکیه بر رویدادهای کلیدی، این مسیر پریپیچ‌وخم را مرور کرده و بررسی کنیم چگونه عوامل ایدئولوژیک، نفت، امنیت و ایدئولوژی، این روابط را شکل داده‌اند.

دوران پیش از پهلوی: روابط اولیه و محدود

اولین تماس‌های رسمی ایران با آمریکا به اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد. در زمان ناصرالدین‌شاه، هیئت‌های آمریکایی برای مأموریت‌های مذهبی و آموزشی به ایران آمدند؛ اما روابط دیپلماتیک جدی از ۱۸۸۳ با تأسیس کنسولگری آمریکا در تهران آغاز شد. آمریکا در آن دوران، بیشتر نقش میانجی‌گری بازی می‌کرد؛ مثلاً در قرارداد ۱۹۰۷ با روسیه و انگلیس برای حفظ استقلال ایران. اما روابط عمیقی برقرار نشد تا زمان رضاشاه. قبل از تأسیس رسمی اسرائیل در ۱۹۴۸، جامعه یهودیان ایران با صهیونیست‌ها ارتباط محدودی داشتند، اما ایران یکی از معدود کشورهای اسلامی بود که به عضویت اسرائیل در سازمان ملل رأی

مسعود علی محمدی در ۲۰۱۰) و حملات سایبری مانند استاکس نت (۲۰۱۰، مشترک با آمریکا)، وارد فاز تهاجمی شد.

احمدی نژاد با انکار هولوکاست و برنامه هسته‌ای، تنش را بالا برد. کنفرانس‌های ضدصهیونیستی و حمایت از حماس و حزب‌الله، اسرائیل را به وحشت انداخت. آمریکا نیز شش قطعنامه شورای امنیت (۲۰۰۶-۲۰۱۰) تصویب کرد.

دروان اوپاما تا بایدن: برجام و چرخش‌ها

اوپاما با برجام (۲۰۱۵) دیپلماسی را امتحان کرد. تحریم‌ها برداشته شد و روابط اقتصادی بهبود یافت، هرچند امنیتی همچنان سرد بود. اسرائیل (نتانیاها) مخالف سرسخت بود و لابی کرد. ترامپ در ۲۰۱۸ خارج شد، "فشار حداکثری" را اعمال کرد و حاج قاسم سلیمانی را ترور کرد (۲۰۲۰).

اسرائیل هم با بمباران‌های سوریه و حملات به کشتی‌ها، فشار آورد.

بایدن مذاکرات را احیا کرد، اما شکست خورد. حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس و پاسخ اسرائیل در غزه، ایران را درگیر کرد (حمایت از حوثی‌ها و حزب‌الله). تنش‌های اخیر مثل حمله به کنسولگری ایران در دمشق (آوریل ۲۰۲۴) و پاسخ موشکی ایران و جنگ در حال انجام نشان‌دهنده چرخه خشونت‌ست.

روابط اسرائیل - ایران : جنگ سایه‌ها تا جنگ واقعی

اسرائیل ایران را تهدید وجودی می‌بیند (هسته‌ای و حمایت از محور مقاومت). حملات سایبری، ترورها (فخری‌زاده،

۲۰۲۰) و بمباران‌های سوریه و جنگ

۱۲ روزه و حتی جنگ اخیر بخشی از این جنگ نامتقارن است. ایران هم با موشک‌ها و پهپادها در برابر رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایت‌کار با قدرت در حال مقاومت است و به یاری حق پیروز این نبرد، کشور عزیزمان ایران است.

پروژه "گلوبال" (خط لوله نفت ایلات-اشکلون) و همکاری‌های اطلاعاتی علیه اعراب، پایه این رابطه بود. موساد و ساواک با یکدیگر همکاری داشتند. اسرائیل، ایران را به‌عنوان تنها متحد مسلمان در منطقه می‌دید و ایران هم از تکنولوژی اسرائیلی برای کشاورزی و نظامی استفاده می‌کرد. فروش نفت ایران به اسرائیل (حدود ۵۰ هزار بشکه روزانه در دهه ۱۹۷۰) و تبادلات فرهنگی مثل کنسرت‌های مشترک، نشان‌دهنده عمق این پیوند بود. خلبانان اسرائیلی حتی در نیروی هوایی شاه آموزش می‌دادند. این همکاری‌ها بخشی از "دکترین نیکسون" بود. آمریکا به متحدان منطقه‌ای مثل ایران و اسرائیل، استقلال عملیاتی داد تا خودش کمتر درگیر شود.

انقلاب ۱۳۵۷: نقطه عطف و قطع روابط

انقلاب اسلامی همه چیز را زیر و رو کرد. آیت‌الله خمینی، آمریکا را "شیطان بزرگ" و اسرائیل را "عده سرطانی" نامید. اشغال سفارت آمریکا در آبان ۱۳۵۸ توسط دانشجویان خط امام، ۴۴۴ روز گروگان‌گیری را رقم زد و روابط دیپلماتیک قطع شد. کارتر تحریم نفتی وضع کرد و از صدام در جنگ ایران-عراق حمایت کرد.

روابط با اسرائیل نیز سریعاً قطع شد. ایران سفارتش را در تل‌آویو بست و فلسطین را به رسمیت شناخت. اما جنگ ایران-عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) لایه‌های پنهانی را نشون داد؛ اسرائیل مخفیانه به ایران تسلیحات فروخت (ماجرای ایران-کنترا)، چون نمی‌خواست صدام قوی شود. آمریکا هم در این رسوایی درگیر بود؛ رونالد ریگان تسلیحات را از طریق اسرائیل به ایران رساند تا گروگان‌های لبنانی را آزاد کند و پولش را برای کنترها در نیکاراگوئه خرج کرد.

دهه های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰: تشدید تنش‌ها

در دوران رفسنجانی و خاتمی، آمریکا با "محور شرارت" (بوش، ۲۰۰۲) ایران را هدف قرار داد. اتهامات هسته‌ای شروع شد و تحریم‌ها تشدید یافت. اسرائیل نیز با ترور دانشمندان ایرانی (مثل

چشم‌انداز آینده

با خیانت آشکار دشمن به مذاکرات، به ما نشان دادند که هیچ ارزشی برای دیپلماسی و قوانین بین‌الملل قائل نیست و بارها به صورت آشکار باعث نقض آن‌ها شده است. مذاکره با آن شیاطین کاری اشتباه است و ایران هرگز از حق مسلم هسته‌ای خود کوتاه نمی‌آید و در برابر آنان تسلیم نخواهد شد و انتقام رهبر شهیدمان را خواهیم گرفت. به یاری حق پیروز میدان نبند ما هستیم.

مذاکراتی که شروعی برای جنگ بود

در دور دوم ریاست جمهوری ترامپ قرار شد که برای جلوگیری از جنگ بین رژیم صهیونیستی و آمریکا با ایران، مذاکراتی به صورت غیرمستقیم برگزار شود؛ خواسته دشمنان در این دو نوبت مذاکرات کنار گذاشتن غنی‌سازی اورانیوم، کوتاه کردن برد موشک‌ها و ... بود. در هر دو نوبت، مذاکرات منتهی به جنگ شد. جنگ ۱۲ روزه در خرداد و جنگ درحال انجام اخیر در اسفند ۱۴۰۴، هر دو جنگ وقتی صورت گرفت که مذاکرات درحال انجام بود و جریان مذاکرات پیشرفت خوبی داشت و با شروع حمله از طرف دشمنان و تحمیل جنگ بود که نشان‌دهنده خیانت آمریکا و اسرائیل به دیپلماسی است.



افسران جنگ نرم

سیده اسما شمس الهی | امور تربیتی،
دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی فرهنگیان اراک

■ در بین این مردم به یکی از تأثیرگذارترین اقشار می‌پردازیم؛ قشر دانشجو. همان دانشجویی که رهبر شهید امت با امید به او می‌نگریست. این دانشجوی فهیم نقشش را خوب می‌شناسد و برای ایفای آن به بهترین شکل ممکن تلاش می‌کند. حال به این موضوع می‌پردازیم که نقش دانشجویان در این جنگ چیست؟

■ طبیعتاً هرکدام از ما به‌عنوان یک ایرانی برای محافظت از کشورمان وظیفه‌ای بر عهده داریم؛ این وظیفه در زمان جنگ دو برابر می‌شود. دانشجو به‌سبب موقعیتی که دارد و قشر تحصیل‌کرده جامعه محسوب می‌شود، در این زمینه نباید بی‌تفاوت باشد. دانشجویان در زمان جنگ باید در خط مقدم تبیین‌گری باشند، آن‌ها باید با درک کردن شرایط و براساس بینش و بصیرت از دودستگی بین مردم جلوگیری کرده و زمینه افزایش بصیرت را فراهم کنند؛ مثلاً با همراهی و زیر نظر یک استاد، گروهی در فضای مجازی در هر دانشگاه ایجاد شود و شبهات مربوط به جنگ در همه ابعاد پاسخ داده شود و با کارهای رسانه‌ای درست و باکیفیت، این پاسخ‌ها، هم به‌صورت مجازی و هم به‌صورت فیزیکی بین دانشجویهای خود دانشگاه و مردم عادی در تجمعات توزیع شود. یکی دیگر از کارها در زمینه بصیرت‌افزایی، حضور (فعال نه خنثی) در تجمعات است مثلاً برملا کردن دروغ‌هایی که رسانه‌های ضدانقلاب و جاسوسی مثل اینترنشنال می‌گویند، آشکار کردن ماهیت اصلی اسرائیل و آمریکا، برجسته‌سازی

■ امام شهید انقلاب، سید علی خامنه‌ای: «در جنگ نرم، شما جوان‌های دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید... افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل می‌کند، هم صحنه را درست می‌بینید؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا این‌ها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است.» ۱۳۸۸/۰۶/۰۸ این‌ها سخنان رهبر شهیدی است که تمام زندگی خود و حتی جان خود و خانواده‌اش را نثار درخت تنومند و کهن ایران کرد؛ درختی با قدمتی چند هزار ساله و البته سرفراز از دل جنگ‌ها، توطئه‌ها، وطن‌فروشی‌ها و ... چه بسیار خون‌های عزیز که پای این درخت تنومند ریخته شده و چه جان‌های گران‌بها که برای استواری آن بر زمین افتاده. ایران را ما می‌سازیم؛ ما مردم! مردمی که با هر ظاهر و عقیده، پای کار ایران هستند. ایران قوی، نقشه‌های جلادان و خون‌خواران استعمارگر را یکی‌یکی خنثی می‌کند. این ملت ایران است! این مردم، مردم ایران هستند؛ مردمی که وقتی صحبت از میهن باشد با کسی تعارف ندارند؛ خون می‌دهند ولی خاک نه!

دانشجویان در زمان جنگ باید در خط مقدم تبیین‌گری باشند، آن‌ها باید با درک کردن شرایط و براساس بینش و بصیرت از دودستگی بین مردم جلوگیری کرده و زمینه افزایش بصیرت را فراهم کنند.

هر تجمع، برای افزایش روحیه آنان، مطالبه‌گری انتقام خون امام شهیدمان به شیوه درست، تشکیل ایست‌های بازرسی خودجوش برای جلوگیری از اختلال در روند تجمع‌ها، در صورت مشاهده یا حتی احتمال کارشکنی در تجمعات یا تفرقه‌افکنی سریعاً به مأموران امنیتی گزارش شود؛ و در صورت برخوردی که باعث افزایش تنش شود از طرف مردم عادی، سریعاً از ادامه آن جلوگیری شود، چون حفظ وحدت و وظیفه خطیر ما مردم در این ایام است و دقیقاً همان چیزی هست که دشمن آن را نشانه گرفته است. پخش مداحی‌های حماسی و تبیین این مورد که ما ایرانی‌ها آغازگر جنگ نبوده‌ایم.

■ این‌ها دسته‌ایی از فعالیت‌هایی بود که دانشجویان در زمان جنگ می‌توانند انجام دهند؛ قطعاً فعالیت‌های مفید و مؤثر فراوانی می‌توانند انجام دهند تا ان‌شاءالله ملت شجاع و بصیر ایران با همدلی و اتحاد از این آزمون نیز سربلند بیرون بیاید و به نصرت و پیروزی الهی دست پیدا کند. به حق روح پاک امام شهید امت سید علی خامنه‌ای؛ و این انقلاب به دست پرنور صاحب الزمان (عج)

برسد ان‌شاءالله.

افتخارات کشورمان و قدرت نظامی آن، نتیجه همبستگی و اتحاد مردم و امید و انگیزه به مردم و بیان نتیجه مقاومت و ایستادگی را با کارهایی مثل تهیه پلاکارد، شب‌نامه، نامه محرمانه، عکس‌نوشته را آماده کنند و بین تجمع‌کنندگان پخش کنند. خبر موفقیت‌ها و پیروزی‌ها را به جامعه منتقل کنند. ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی در مساجد هر محله، تشکل‌های دانشجویی، یویش‌هایی از فعالیت‌های دانشجویها برگزار کنند و تصاویر آن‌ها را برای

تقویت انگیزه بقیه پخش کنند. همچنین جلسات تبیینی برای بصیرت‌افزایی دانشجویها، آموزش کنترل

استرس و اضطراب، تاب‌آوری و اقدام مناسب در زمان‌های حساس جنگ و موارد مربوطه برگزار کنند.

دانشجویان فعال هر شهر با هم ارتباط بگیرند و با همفکر، هسته کنش‌گری در

آن شهر ایجاد کنند. چله دعاهایی که رهبر شهیدمان فرمودند برای پیروزی جبهه حق خوانده شود (دعای چهاردهم صحیفه سجادیه، دعای توسل و سوره فتح) برگزارش. بیانات رهبر شهیدمان در رابطه با استقامت، پیروزی و نصر الهی برای

ملت ایران، تقویت ایمان و استقامت و موارد مشابه را به صورت عکس‌نوشته و یا پلاکارد تهیه شود و بین مردم پخش شود. ثبت‌نام افراد با توانایی‌ها و مهارت‌های مختلف جهت کمک در صورت نیاز. تشکر و قدردانی از نیروهای امنیتی در



ریحانه ستاروندی | آموزش زبان انگلیسی
پدیس زینب کبری (س)

وقت مردمی مدافعان وطن می شوند

نقش مردم و انسجام ملی در جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران

انقلاب هستند. این بار قوی تر. یکصداتر. متحدتر. تفاوتی نمی‌کند. لاله‌ای را به این انقلاب و رهبری تقدیم کرده باشند؛ عزیزی از دست داده باشند؛ خانه و کاشانه خود را از دست داده باشند یا ... چادری یا مانتویی، محجبه یا شل حجاب، بالا نشین یا سطح پایین اهمیتی نداشت؛ ترک، کرد، لر، بلوچ؛ مگر می‌توان جلوی این اتحاد و حضور را گرفت؟ وطن، خاک، ظلم ستیزی، انتقام، استقلال، آرمان، انقلاب و ... رمز اتحادشان بود. بنای یک کشور به مردم آن استوار است. این موضوع را ملت ایران به خوبی ثابت کرده‌اند. کسانی که در برهه حساس نظام آخرالزمانی، صحنه و عرصه را خالی نکردند؛ با شور حماسی خود، رجز خواندند و شعارهایی برخاسته از آرمانشان سر دادند.

درست است شرایط، شرایط جنگی است و سختی‌ها بی‌شمار؛ ولی خدا می‌داند که این حضور و ایستادگی ضربه نهایی را بر دشمن نیمه جان وارد خواهد کرد. حضور در تجمعات، مساجد، معابر شهر، امامزادگان و بقعه‌های مبارک و ... جایی است که عقاید و آرمان‌ها جامه عمل می‌پوشد. این همان جایی است که دشمن مکار خواهد فهمید مردمی که پای آرمان‌ها و اعتقاداتش ایستاده است، به هیچ عنوان اجازه ظهور و بروز را به هیچ قدرت و مستکبری نخواهد داد.

جایی که منجی بشریت فراخوانده می‌شود، فریاد استغاثه زبانه می‌کشد، بالاتر از هر رنگی، رنگ الهی دیده می‌شود، مگر چیز دیگری جز امید و انگیزه به بطن جامعه تزریق می‌شود؟

در شرایط کنونی جامعه، قلم بر دست گرفتن خیلی سخت است. شاید بشود از لرزش دست جلوگیری کرد ولی از لرزش و اندوه قلب چگونه کاست؟ با خود فکر می‌کنم یک انسان چقدر باید قوی باشد که در برابر این حجم از غم و اندوه ایستادگی کند؟ به‌راستی چگونه می‌شود در برابر این حجم از اتفاقات ایستادگی کرد؟ چگونه می‌توان در فضایی که غم، شهادت، جنایت، ظلم و ستم را با خود به ارمغان آورده است، نفس کشید، زنده بود و جریان زندگی را به جلو هدایت کرد؟

به‌راستی زمین و زمان چگونه از پای در نیامده‌اند؟ از چه روی به نظاره نشسته‌اند؟ شرم نمی‌کنند به جای آنکه دایه‌دار حق و حقیقت باشند، سکوت را سرلوحه خود قرار داده‌اند؟ جهان! بنگر که اکنون در کجای تاریخ ایستاده‌ای! صف حق و باطل قابل تشخیص نیست یا شما خودتان را به کج فهمی و جهالت زده‌اید؟

درست است؛ داغ سنگین است. غم جبران‌ناپذیر است. امنیت خریدنی نیست. سعادت و کمال به این راحتی نیست. تاریخ اکنون باید رسالت خود را به نحو احسن حفظ کنی. تاریخ! برای آیندگان بنویس که مردمان تبار حاج قاسم‌ها و حاجی‌زاده‌ها، چه حماسه‌ای آفرینند. از جنس آن‌ها که نتنها با گذشت زمان فراموش نخواهد شد، بلکه تا ابد در یاد همگان خواهد ماند.

میدان‌دار اصلی این روزهای ایران، یک ناخدا بیشتر ندارد؛ ملت ایران. بعد از آن که در آستانه انتخابی بزرگ، جمهوری را برای خود برگزیدند، این بار نیز ثابت کردند که مانند همیشه پای کار این خاک و

■ آگاه‌سازی و تبیین را اول از اطرافیان و نزدیکان خود شروع کنیم و با توضیح اهمیت اتحاد و همبستگی مردم، سعی کنیم این جریان را به درون جامعه نیز سوق دهیم.

اکنون زمانی نیست که صحنه را خالی کنیم تا فرصت جولان تحریک‌کنندگان جریان‌های داخلی و خارجی فراهم شود؛ آن وقت دیگر فرصت جبران نخواهیم داشت.

■ تجمعات و حضور مردم را دست کم نگیریم و هرکدام با حضور خود، این جمع کوچک را به گسترده‌ترین حالت ممکن برسانیم. با تشویق کودکان و نسل جوان آن‌ها را نیز با خود همراه کنیم. دانشجویان و جامعه علمی نیز می‌توانند با کنشگری و تبیین مسائل و موضوعات روز، اهمیت این جمع‌ها برای مردم روشن کنند.

■ افرادی که کانال و گروه‌های خبری و رسانه‌ای دارند نیز می‌توانند بازتاب این حضور و شور مردم رو بازنشر کنند و شدت و حجم این کار را بزرگتر نشان دهند. اگر ما دست از کار کشیم، خوراک فکری مردم نیز چیزی جز دروغ و فریب دشمن نخواهد بود. دعا و توسل نیز از جمله مواردی است که می‌تواند از سختی‌های این دوران بکاهد و تاثیری همچون شلیک‌های موشک خواهد داشت.

■ البته به لطف و مدد الهی، تاکنون مردم بصیر و روشن‌فکر ما، با حضور و وحدت خود، جلوه‌ای از قدرت و اقتدار ایران اسلامی را نشان داده‌اند و قوت قلبی برای نیروهای مسلح و سربازان جان بر کف میهن عزیزمان بوده‌اند. امید است شاهد ادامه این حضور پررنگ مردم باشیم و سرانجام با ندای منجی بشریت، پیروزی و فتح عظیم خود را جشن بگیریم و ایرانی آزاد و آباد برای خود و فرزندان پاک این سرزمین شاهد باشیم.

■ وظیفه امروز ما، به عنوان نسلی که قرار است آینده‌سازان این مرز و بوم را تربیت کنیم، این است که ضمن تزریق امید و روحیه در جامعه و نسل جوان، با بصیرت و آگاهی به کنشگری در این زمینه بپردازیم. الان وقت زمین‌نشستن و تماشاگر بودن نیست؛ الان زمان ماتم و عزاداری نیست؛ درست است که ما داغدار یکی از بهترین انسان‌های تاریخ هستیم، ولی اکنون زمانی نیست که صحنه را خالی کنیم تا فرصت جولان تحریک‌کنندگان جریان‌های داخلی و خارجی فراهم شود؛ آن وقت دیگر فرصت جبران نخواهیم داشت.

■ از جمله اقداماتی که می‌توانیم در این زمینه انجام دهیم غافل‌نشدن از فضا‌سازی کوچه و خیابان‌ها است؛ سعی کنیم فضا را مزین به عکس و سخنان رهبری کنیم.



انرژی مستقل اقتصاد مقاوم

محمد مهدی منصوری

سوخت رآکتور کشورمان نمونه‌ای بارز از این آسیب‌پذیری است. تجربه بدعهدی کشورهای خارجی در سوخت رآکتور کشورمان نشان داد که اتکای صرف به منابع خارجی تهدیدی برای امنیت بهداشتی کشور است. غنی‌سازی ستون پایداری در درمان بیماری‌هایی مانند سرطان و اختلالات عصبی محسوب می‌شود.

■ ایران با هدف تامین انرژی، توسعه ظرفیت ساخت نیروگاه‌های پر قدرت و سوخت هسته‌ای را در قالب پروژه راهبردی ۲۰ هزار مگاواتی در دستور کار قرار داده است. غنی‌سازی اورانیوم در این چارچوب نه فقط یک تکنولوژی پیشرفته بلکه یک ابزار کلیدی برای امنیت انرژی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و وارداتی محسوب می‌شود. دستیابی به چرخه کامل سوخت، ایران را در مسیر تولید برق هسته‌ای قرار می‌دهد. این موضوع نه تنها از منظر اقتصادی بلکه در جهت تحقق استقلال انرژی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌ها اهمیت مهمی دارد.

■ قدرت بدون سلاح، در منطقه‌ای که مملو از تهدیدات امنیتی، غنی‌سازی صلح‌آمیز و تحت نظارت آژانس به‌عنوان نماد بازدارندگی فناورانه پیامی روشن به دشمنان چه در منطقه و چه در جهان مخابره می‌کند. ایران با تسلط بر طراحی سانتریفیوژهای پیشرفته بدون ورود به رقابت تسلیحاتی توازن راهبردی هوشمندانه‌ای ایجاد کرده است. ایران نه به دنبال سلاح هسته‌ای است و نه به آن نیاز دارد اما توان فناورانه بومی آن، این پیام را مخابره می‌کند که در برابر فشار یا تجاوز، توان دفاع از منافع خود را دارد و این جوهره‌ی بازدارندگی فناورانه در قرن بیست و یکم

■ غنی‌سازی اورانیوم در ایران تنها یک فناوری پیشرفته نیست بلکه به ستون فقرات راهبرد ملی تبدیل شده است. از تامین سوخت رآکتورهای تحقیقاتی و نیروگاه‌های هسته‌ای تا تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی کشور، این فناوری ابعاد سیاسی، علمی و صنعتی و جهانی گسترده‌ای دارد.

■ در این شرایط که تحریم‌ها و فشارهای جهانی ادامه دارد، غنی‌سازی اورانیوم به نماد استقلال و قدرت چانه‌زنی ایران در عرصه بین‌المللی بدل شده است. توان بومی ایران در غنی‌سازی اورانیوم نقش تعیین‌کننده‌ای در تامین سوخت رآکتورهای تحقیقاتی ایفا می‌کند؛ رآکتورهایی که منبع اصلی تولید رادیوداروهای حیاتی برای بیش از یک میلیون بیمار ایرانی در سال هستند. رادیوداروهایی که در درمان بیماری‌هایی مانند سرطان و اختلالات عصبی کاربرد حیاتی دارند. نبود استقلال در تامین سوخت این رآکتورها کشور را در معرض وابستگی به منابع خارجی قرار می‌دهد؛ وابستگی که می‌تواند منجر به قطع یا تاخیر در تولید رادیوداروها، اختلال در درمان بیماران و آسیب جدی به بهداشت عمومی شود. سابقه بدعهدی برخی کشورهای خارجی در تامین

غنی‌سازی اورانیوم در این چارچوب نه فقط یک تکنولوژی پیشرفته بلکه یک ابزار کلیدی برای امنیت انرژی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و وارداتی محسوب می‌شود.

■ همچنان باید اشاره کرد که کشورهای بیگانه این نظر را نسبت به کشور ما ندارند، از جمله کشور کودک کش و متجاوز آمریکا؛ زیرا این کشور معتقد هست که ما می‌خواهیم از این صنعت به‌عنوان سلاح استفاده کنیم. گرچه نظر حضرت آقا این‌گونه نیست؛ چون ایشان قبل از شهادتشان فرمودند: «این صنعت در کشور ما و در منطقه صلح‌آمیز است و اینکه به آمریکا مربوط نیست که ما با این صنعت چه استفاده‌هایی می‌خواهیم انجام دهیم.»

است. در آخر باید در این مورد بحث شود که آیا توان هسته‌ای ما سلاح قدرت است یا خیر؟ در این باب به سخنان شهید والامقام آیت‌الله العظمی حضرت امام خامنه‌ای رجوع می‌کنیم که ایشان فرمودند: «صنعت هسته‌ای ما یک صنعت صلح‌آمیز است، چون ما از این صنعت برای مصارف پزشکی و درمانی و انرژی استفاده می‌کنیم و هیچ‌وقت ملت ایران قصد اینکه از این صنعت به‌عنوان سلاح استفاده کند را نداشته است.»



محور مقاومت، دیواری بلند در برابر پروژه‌های تجزیه طلبانه

محدثه رستمی | دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی



از گروه‌های مقاومت در کشورهای مختلف پشتیبانی کرده است. این حمایت ابعاد گوناگونی دارد و صرفاً محدود به حوزه نظامی نیست؛ بلکه دربرگیرنده‌ی پشتیبانی‌های فرهنگی، سیاسی، آموزشی و انسان‌دوستانه نیز می‌باشد.

■ خاورمیانه طی دهه‌های اخیر به یکی از پرچالش‌ترین مناطق جهان تبدیل شده است. رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، مداخلات خارجی و تضاد منافع دولت‌ها، این منطقه را به عرصه‌ای از منازعات چندوجهی بدل کرده است. در این میان، پدیده‌ی گروه‌های نیابتی به عنوان ابزاری مؤثر برای دفاع از منافع ملی، مقابله با تروریسم و حفظ ثبات سیاسی و امنیتی منطقه مطرح شده است.

جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ رویکردی همکاری محور و با حمایت مالی، آموزشی و نظامی از این گروه‌ها توانسته نقش کلیدی در حفظ ثبات، مبارزه با افراط‌گرایی و جلوگیری از فروپاشی کشورهای مسلمان ایفا کند.

در لبنان، حزب‌الله با الهام از آرمان‌های انقلاب اسلامی از دهه‌ی ۱۹۸۰ تاکنون توانسته است در برابر تجاوزات اسرائیل ایستادگی کند و نقشی تعیین‌کننده در حفظ امنیت ملی لبنان ایفا نماید. در عراق، نیروهای حشدالشعبی با هدایت فکری و معنوی ایران، توانستند با داعش مقابله کرده و تمامیت ارضی این کشور را حفظ کنند. در یمن نیز جنبش انصارالله، نماد مقاومت مردمی در برابر تجاوز نظامی ائتلاف سعودی است و موجب تغییر نگرش افکار عمومی جهان عرب به سوی استقلال سیاسی و هویت بومی شده است.

■ ماهیت گروه‌های نیابتی در جغرافیای مقاومت گروه‌های نیابتی، شبکه‌هایی اجتماعی، سیاسی و نظامی‌اند که با هدف دفاع از مردم، حفظ ارزش‌های دینی، و مقابله با اشغالگری و سلطه‌ی خارجی شکل گرفته‌اند. برخلاف تصویرسازی رسانه‌های غربی که این گروه‌ها را عامل بی‌ثباتی معرفی می‌کند، واقعیت این است که بسیاری از آن‌ها پاسخ طبیعی جوامع تحت فشار به تجاوز، تروریسم سازمان‌یافته و اشغال خارجی هستند. محور مقاومت متشکل از حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت فلسطین، نیروهای مردمی عراق و جنبش انصارالله یمن است؛ جریانی که بر مبنای استقلال، خودباوری و مقابله با سلطه‌طلبی سازمان یافته و به نمادی از همبستگی میان ملت‌های منطقه تبدیل شده است.

■ نقش جمهوری اسلامی ایران در تقویت محور مقاومت

جمهوری اسلامی ایران براساس دکترین دفاع پیش‌دستانه و اصل حمایت از مستضعفان،

گروه‌های نیابتی در چارچوب محور مقاومت بخشی از ساختار دفاعی منطقه در برابر اشغالگری، تروریسم و تجزیه‌طلبی محسوب می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ رویکردی همکاری‌محور و با حمایت مالی، آموزشی و نظامی از این گروه‌ها توانسته نقش کلیدی در حفظ ثبات، مبارزه با افراط‌گرایی و جلوگیری از فروپاشی کشورهای مسلمان ایفا کند. آینده‌ی خاورمیانه زمانی به سوی صلح پایدار حرکت خواهد کرد که دولت‌های منطقه همکاری با محور مقاومت را بپذیرند و امنیت را نه در قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بلکه در اراده و همبستگی ملت‌های خود جست‌وجو کنند.

■ تأثیرات راهبردی محور مقاومت بر امنیت منطقه‌ای

حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های مقاومت موجب شکل‌گیری تعادلی راهبردی در برابر رژیم صهیونیستی و نفوذ ایالات متحده گردیده است. این گروه‌ها با ایجاد شبکه‌ای از بازدارندگی فعال، مانع اجرای طرح‌های تجزیه‌طلبانه و گسترش آشوب در کشورهای منطقه شده‌اند.

در سوریه، حضور نیروهای مقاومت و مستشاران ایرانی سهم به‌سزایی در جلوگیری از فروپاشی دولت مرکزی و گسترش تروریسم تکفیری داشت. اقدامی که حتی برخی از دولت‌های غربی نیز بعدها به ضرورت آن اذعان کردند.

تجربه‌ی یمن نیز شاهدی دیگر بر این مدعاست. جایی که مقاومت انصارالله در برابر ائتلاف سعودی، با وجود فشارهای شدید، توانسته است از فروپاشی کامل کشور جلوگیری کند. این مقاومت، هرچند با هزینه‌های انسانی بالا، اما مانع از تحقق اهداف تجزیه‌طلبانه و ایجاد یک دولت دست‌نشانده در این منطقه استراتژیک شده است. بدین‌سان محور مقاومت توانسته است الگوی تازه‌ای از امنیت پایدار مبتنی بر اراده‌ی مردمی، عدالت سیاسی و استقلال ملی را پایه‌گذاری کند.

■ نقدها و چالش‌ها

اگرچه محور مقاومت دستاوردهای قابل توجهی داشته است، اما با چالش‌هایی نیز مواجه است؛ از جمله تحریم‌های گسترده، جنگ‌های نیابتی، فشارهای دیپلماتیک و عملیات روانی رسانه‌های غربی علیه این جریان. این عوامل روند توسعه و ثبات سیاسی کشورهای عضو محور مقاومت را دشوار کرده است. با این وجود، موفقیت حزب‌الله در بازدارندگی اسرائیل، شکست داعش در عراق و سوریه، و تداوم مقاومت مردم یمن نشان می‌دهد که راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با سلطه‌جویی قدرت‌های خارجی، نه تنها از پشتوانه‌ی مردمی برخوردار است، بلکه کارآمدی خود را در عرصه‌ی عمل نیز اثبات کرده است.



جدال ۲۰۰۰ ساله

از هرودت تا امروز: ریشه‌های کهن تقابل ایران و غرب

سوده طنازی | آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان
پردیس فاطمه الزهرا(س) تبریز

■ از چه زمانی آمریکا (و به طور کلی غرب) ایران را یک تهدید قلمداد می‌کند؟ آیا این نگاه صرفاً به ۴۷ سال گذشته، پس از پیروزی انقلاب اسلامی محدود می‌شود؟

برای پاسخ به این پرسش، باید اذعان کرد که ایران و آمریکا دارای تقابلی دیرینه هستند؛ جدالی که بسیاری از سیاستمداران غربی تلاش دارند آن را به ۴۷ سال پیش محدود کنند. اما واقعیت فراتر از این است. هرودوت، مورخ یونانی که توسط سنا، وزیر نرون، "پدر تاریخ" لقب گرفت، در کتاب خود تصویری از نبرد میان خیر و شر ترسیم می‌کند. در این روایت، امپراتوری پارس (حکومتی که ما ایرانیان آن را با نام امپراتوری کوروش و داریوش کبیر می‌شناسیم) در جناح شر قرار داده شده است. در آثار هرودوت، یونانیان به عنوان قهرمانانی معرفی می‌شوند که در برابر وحشی‌هایی چون سپاه ایران ایستادگی می‌کنند.

باید دانست که تاریخ هرودوت، بنیان تمدن غرب را شکل داده است؛ تمدنی که امروزه در آمریکا تجلی یافته است.

ایران ما
آتش بر اهری



■ اما اصل ماجرا چیست؟ امپراتوری پارسی (هخامنشیان) به دلیل هم‌مرز بودن با یونانیان، همواره درگیر نبرد بوده‌اند؛ نبردهایی چون ماراتن، سالامیس و ترموپیل که در فیلم "۳۰۰" نیز به تصویر کشیده شده‌اند. با این حال، هرودوت در کتاب تاریخ خود، این درگیری‌ها را نه صرفاً نبردهای ژئوپلیتیکی، بلکه نبردهایی "اخلاقی" توصیف می‌کند. او می‌نویسد:

«این صحنه‌های زوال‌ناپذیر و وقایع فراموش‌نشده تاریخ بشر هرگز از خاطره‌ها محو نخواهد شد. جنگ ماراتن یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ جهان محسوب می‌شود. لشکرکشی داریوش از راه دریا و پیاده شدن سربازان متهور پارس در دشت ماراتن در برابر دروازه‌های شهر آتن طلیعه حمله شرق به غرب و نخستین برخورد دو تمدن متضاد جهان باستان بود. در برابر پارسیان که با سرعتی شگفت‌آور دشمن را در آستانه آشپزخانه غافلگیر کرده بودند، رفتار یونانیان حقیقتی شنیدنی و شایان توجه را نشان می‌دهد» (تاریخ هرودت، ج ۱، ص: ۲۰).

■ حال، این پرسش مطرح می‌شود که تاریخ هرودوت چه ارتباطی با غرب یا جدال ما با آنان دارد؟ باید دانست که تاریخ هرودوت، بنیان تمدن غرب را شکل داده است؛ تمدنی که امروزه در آمریکا تجلی یافته است. هرچند تاریخ هرودوت اطلاعات بسیاری درباره پدیده‌های تاریخی ارائه می‌دهد، اما اغلب مبالغه‌آمیز و جانبدارانه است. یکی از دلایل اصلی جدال تمدن غرب با ایرانیان (یا دقیق‌تر، تمدن شرق که بخش عمده آن از فرهنگ و تمدن اصیل ایرانی نشأت گرفته است)، همین قضاوت‌های نادرست است که غربی‌ها با استناد به تاریخ هرودوت داشته‌اند و در طول سالیان متمادی بر آن افزوده‌اند.

■ غربی‌ها عمدتاً از منظر هرودوت به ایرانیان نگریسته‌اند، در حالی که در گوشه و کنار تاریخ، آثار جوانمردی و تمدن غنی ایرانیان به وضوح نمایان است. به عنوان مثال، منشور کوروش، به عنوان نخستین منشور حقوق بشر، دلیلی انکارناپذیر بر رد ادعای وحشی‌گری ایرانیان است و به خوبی گواهی بر تمدن دیرینه و غنی ایرانیان می‌دهد.



اگر بخواهیم به بخشی از دخالت‌های غرب در ایران و اعمال حاکمیت آن در طول تاریخ اشاره کنیم، صفحات بسیاری باید نوشت.

**کتاب
من باد**

■ این اعمال نفوذ و دخالت‌ها تا سال ۱۳۵۷ شمسی ادامه یافت. اما با بیداری مردم، سدی بزرگ در برابر غربی‌ها، به ویژه آمریکایی‌ها قرار گرفت. با این حال، این به معنای دست کشیدن آن‌ها از "صید پر خیر و برکت" نبود و همانطور که تاریخ ۴۷ ساله پس از انقلاب گواه است، همواره سعی داشته‌اند با ایجاد ناامنی یا اعمال تحریم‌ها بر ایران، سلطه خود را حفظ کنند. هنگام روایت تاریخ، مهم است که چه کسی سخن می‌گوید. مشکل ایران با آمریکا صرفاً به ۴۷ سال گذشته محدود نمی‌شود، بلکه ریشه در تمدن باستانی ایران دارد. کشورهای غربی، و در رأس آن‌ها آمریکا، با روحیه آزادی مردم ایران مشکل دارند؛ زیرا ایرانیان، برخلاف برخی کشورها، کنترل افسار خود، کشورشان و منابعشان را به آن‌ها واگذار نمی‌کنند.

■ بگذریم، قصد طولانی کردن کلام با ارائه ادله بیشتر مبنی بر حقانیت تمدن باستانی ایران را ندارم. اما این نگرش‌ها و دیدگاه‌های غلط که از تاریخ هرودوت ریشه گرفته است، غرب را همواره به سوی کنترل ایران سوق داده است؛ و نتایج آن در طول تاریخ به روشنی قابل مشاهده است. ابتدا اروپایی‌ها و سپس، پس از قدرت گرفتن مهاجران اروپایی در آمریکا، این امر توسط آمریکایی‌ها دنبال شد.

اگر بخواهیم به بخشی از دخالت‌های غرب در ایران و اعمال حاکمیت آن در طول تاریخ اشاره کنیم، صفحات بسیاری باید نوشت. در تاریخ نه چندان دور ایران، موارد زیر قابل ذکر است:

■ دخالت‌های انگلیس و فرانسه در امور کشورداری ایران پس از استعمار هند (دوران تیموریان).

■ دخالت انگلیسی‌ها در کشورهای منطقه و دریافت فرمان حکومت بندرعباس، قشم و برخی نواحی جنوبی برای امام مسقط (۱۲۷۲ قمری).

■ اعطای حق انحصاری فروش دخانیات به انگلیسی‌ها پس از معاهده پاریس.

■ انتصاب رضاخان میرپنج با کمک انگلیسی‌ها (۱۲۹۹ شمسی).

■ دخالت و تصرف در استخراج نفت توسط انگلیس.

■ دخالت انگلیس و آمریکا در برکناری دکتر مصدق (کودتای ۲۸ مرداد) و ممانعت از ملی شدن صنعت نفت.

■ این‌ها تنها نمونه‌هایی از دخالت‌های غربی‌ها در کشور ما، ایران بوده‌اند. کشورهای غربی، با تصوراتی که از ایرانیان داشتند، به خود اجازه دادند در امور کشورداری ایران دخالت کنند. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران نیز مزید بر علت بود تا هر یک از این کشورها نقشه‌ای برای اعمال نفوذ داشته باشند. همانطور که تغییر شکل نقشه ایران از دوران باستان تا به امروز گویای بسیاری از مسائل است، یکی از اهداف کشورهای غربی از دیرباز، تجزیه ایران و تسلط بر بخش‌های مختلف آن بوده است.

منشور کوروش، به عنوان نخستین منشور حقوق بشر، دلیلی انکارناپذیر برد ادعای وحشی‌گری ایرانیان است و به خوبی گواهی بر تمدن دیرینه و غنی ایرانیان می‌دهد.

■ منابع:

- * تاریخ هرودوت، نشر دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- * مستند "Uncivilized" با موضوع نبرد ایران و آمریکا به تهیه‌کنندگی احمد سلیمان در پلتفرم Patreon.
- * تاریخ معاصر ایران.
- * پایان‌نامه "مقایسه روابط ایران و انگلیس در دوره پهلوی اول و دوم" نوشته مرتضی ایمن شهیدی.
- * "تحلیل انتقادی تواریخ هرودوت در باب تبار بنیان‌گذار تمدن هخامنشی" و "میلاد حیدری" در پژوهشنامه تمدن ایران، دوره ۳، شماره ۲.
- * کتاب "کوروش رهایی‌بخش"، نشر شوراآفرین، سال ۱۳۹۳، نوشته شروین وکیلی.

برای دختران میناب

نرگس هراتی | امور تربیتی،
فرهنگیان ثامن الحجج خراسان رضوی

حقت نبود این گونه خونت را بریزند
بمب در کلاس دخترانه، دانش آموز!

ای کاش برای دختر میناب، کمی هم
این زندگی بود عادلانه، دانش آموز

درس خواندن و بازی دگر کافیست حالا
برخیز و برگرد سوی خانه، دانش آموز

برخیز و برگرد سوی خانه، دانش آموز
باز هم بخوان شعر و ترانه، دانش آموز

برخیز و جمع کن از میان خاک و باروت
رویای خود را دانه دانه، دانش آموز

مادر ندارد دیگر هیچ دختری که موبیش
هر صبح زند با عشق شانه، دانش آموز

بود این قرار ما شوی دکتر و مهندس
خونت چرا پس شد روانه، دانش آموز؟!



معلمان، معماران درک انسانی جنگ

آموزش در زمان جنگ؛ کمک به دانش آموزان برای درک درست از جنگ

خدیجه محمودی | زبان انگلیسی پردیس فاطمه زهرا
اصفهان



عنوان مانعی در برابر پیشرفت، رفاه و همزیستی مسالمت‌آمیز معرفی شود و اهمیت تلاش برای برقراری و حفظ صلح برجسته گردد. «قهرمانان خاموش صلح»: تاریخچه و نمونه‌هایی از موفقیت مذاکرات، میانجی‌گری و دیپلماسی در حل منازعات بررسی شود.

«جنگ در کلاس درس؛ از روایت قهرمانانه تا فهم انسانی»

پروپاگاندا: دانش‌آموزان آموزش ببینند که چگونه اطلاعات نادرست یا جهت‌دار (پروپاگاندا) در زمان جنگ منتشر می‌شود و چگونه می‌توانند آن را تشخیص دهند.

«صدای کدام روایت؟» روایت‌های مختلف از یک جنگ (مثلاً روایت طرف‌های درگیر) مقایسه و تحلیل شود تا دانش‌آموزان به درک عمیق‌تری از پیچیدگی‌های موضوع برسند.

شبیه‌سازی: در صورت امکان و با احتیاط، فعالیت‌های شبیه‌سازی (مانند مذاکرات صلح) برای درک فرآیندهای حل اختلاف انجام شود. پروژه‌های تحقیقاتی: دانش‌آموزان تشویق شوند تا در مورد جنبه‌های خاصی از جنگ یا صلح تحقیق کنند و نتایج خود را ارائه دهند.

معلم‌ان می‌توانند با روش‌های گوناگون، درک عمیق و درستی از جنگ به دانش‌آموزان ارائه دهند. این امر نیازمند رویکردی چندوجهی است که فراتر از روایت صرف وقایع تاریخی باشد. در اینجا چند راهکار کلیدی آورده شده است:

از جرقه تا خاکستر

«جنگ چه بر سر ما آورد؟»: به جای تمرکز بر «چه کسی آغازگر بود»، «چرا جنگ اتفاق افتاد؟» پرداخته شود. دلایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی که منجر به درگیری شده‌اند، تحلیل شوند. اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت جنگ بر جوامع، اقتصاد، محیط زیست، سلامت روان و روابط بین‌المللی به صورت جامع بررسی شود.

«آموزش بدون شعار: وقتی درس تاریخ، درس همدلی و انسانیت می‌شود»

دیدگاه قربانیان: داستان‌ها و تجربیات افرادی که مستقیماً از جنگ آسیب دیده‌اند (غیرنظامیان، کودکان، پناهندگان) روایت شود. این امر به ایجاد حس همدلی و درک رنج انسانی کمک می‌کند. ابعاد اخلاقی: چالش‌های اخلاقی مرتبط با جنگ، مانند تصمیم‌گیری‌های دشوار، نقض حقوق بشر و مسئولیت‌پذیری مورد بحث قرار گیرد.

«جنگ در آینه هنر و تاریخ»

کتاب‌ها، مستندها، فیلم‌های تاریخی، خاطرات شاهدان عینی، مقالات علمی و حتی آثار هنری (شعر، نقاشی، موسیقی) که به جنگ پرداخته‌اند، استفاده شود.

«جنگ را بفهمیم، نه فقط ببینیم»: دانش‌آموزان تشویق شوند تا منابع مختلف را مقایسه کرده، اطلاعات را راستی‌آزمایی کنند و دیدگاه‌های گوناگون را در نظر بگیرند.

«درک جنگ، شناخت صلح: رسالت معلم‌ان در تربیت نسل آگاه»

«از ویرانی جنگ تا سازندگی صلح»: جنگ به

**دانش‌آموزان آموزش ببینند
که چگونه اطلاعات نادرست
یا جهت‌دار (پروپاگاندا) در زمان
جنگ منتشر می‌شود و چگونه
می‌توانند آن را تشخیص دهند.**

معلمان امید در سایه توپ و تفنگ

سازندگان نسلی که با دانایی و همدلی، جهان را دوباره می‌سازد

زهرا فرزاملی | آموزش زبان و ادبیات فارسی
فرهنگیان فاطمه الزهرا (س) تبریز

با زندگی، آرزو و درد. این آموخته، در نهایت از انسان‌هایی ناآگاه، شهروندانی مسئول می‌سازد. اما آموزش درباره جنگ تنها روایت نیست، تامل است؛ تامل بر پرسش‌های بزرگ اخلاقی که جهان هنوز پاسخش را نیافته است؛ آیا جنگ می‌تواند عادلانه باشد؟ آیا انسان حق دارد خشونت را برای دفاع از خود به کار گیرد؟ مسئولیت افراد در آغاز یا توقف جنگ چیست؟ معلم اگر بتواند این پرسش‌ها را در کلاس زنده کند، ذهن دانش‌آموزان را از تکرار دانش به تولید فکر می‌رساند. گفته‌های آنان شاید خام باشد، اما همین خامی نخستین گام در راه شکل‌گیری درکی انسانی از مسئولیت و اخلاق است. در میان هیاهوی اخبار و تصاویر تلخ، گاهی یک شعر یا نقاشی می‌تواند بیش از هزار سخن اثر بگذارد. هنر، زبان دوم آموزش است. فیلمی که رنج کودکی آواره را نشان می‌دهد یا قطعه‌ای موسیقی که از امید پس از ویرانی می‌گوید، می‌توانند در دل نوجوانان جرقه‌ای از فهم عاطفی روشن کنند؛ فهمی که لزوماً از مسیر استدلال نمی‌گذرد، بلکه از دل احساس و تخیل عبور می‌کند. معلمی که از ادبیات و هنر در آموزش مفهوم جنگ بهره می‌گیرد، نه فقط کتاب، بلکه انسان را می‌آموزد.

با این حال، در این مسیر ظرافتی نیاز است که تنها دل آگاه از تاثیرات روانی کودکان می‌تواند آن را درک کند. آموزش جنگ اگر به نمایش خشونت بی‌حد یا تحمیل دیدگاهی خاص تبدیل شود، نه تنها فهم را نمی‌پروراند بلکه همدلی را می‌کشد. معلم باید پاسدار وجدان کلاس باشد؛ اوست که مرز میان شناخت و شوک، میان نقد و تلقین را تعیین می‌کند. وظیفه‌اش نه قهرمان‌سازی افراطی است، نه سیاه‌نمایی یک‌سویه.

در روزگاری که صدای توپ و تفنگ، گاه حتی از دوردست‌ها، ذهن‌ها را می‌آشوبد و اخبار جنگ بر صفحه‌های زندگی سایه می‌اندازد، نقش آموزش بیش از هر زمان دیگری برجسته می‌شود. معلم در چنین دوران‌هایی، نه فقط آموزگار دانش، بلکه پرچمدار انسانیت، امید و خرد است. در فضای پرتنش و مبهم جنگ، او باید راهی بیابد تا دانش‌آموزان نه با ترس، بلکه با فهم و بینش به جنگ بنگرند. آموزش در زمینه جنگ نباید صرفاً به حفظ تاریخ و اسامی و شمارش پیروزی‌ها و شکست‌ها محدود شود. این آموزش باید پنجره‌ای باشد به سوی درک انسانی از رنج، شجاعت، انتخاب و پیامد. باید از روایت‌های سنگی و رسمی فراتر رفت و جنگ را از نگاه انسان‌های کوچک و بزرگ دید؛ از سربازی که در سرمای شب تنهاست تا کودکی که در پناهگاه به دنبال مادرش می‌گردد. معلم می‌تواند این چهره انسانی جنگ را با روایت‌های چندگانه و واقعی زنده کند. با خواندن نامه‌ای از دل جبهه، دیدن تصویری از ویرانی شهری، یا شنیدن خاطره‌ای از زنی که در میان آوارها، کتاب بچه‌هایش را یافته است. چنین لحظه‌هایی، ذهن دانش‌آموز را از سطح اتفاق به عمق احساس می‌برد.

در این مسیر، جنگ را باید از زوایای گوناگون دید؛ از چشمان همه آنان که در آن زیسته‌اند و رنج و امید را با هم تجربه کرده‌اند. هر طرف جنگ، هر انسانی روایتی دارد که حق شنیده شدن دارد. معلمی که دیدگاه‌های گوناگون را وارد کلاس می‌کند، در واقع به دانش‌آموزان تمرین تفکر انتقادی و همدلی می‌دهد. آنان می‌آموزند که پشت هر تصمیم سیاسی، مردمانی هستند

معلمانی که چنین آموزش می‌دهند، نه تنها بذریعہ صلاح را می‌کارند، بلکه ریشه آگاهی و شجاعت را نیز در جان شاگردان می‌رویاند؛ صلی زاده بصیرت، آگاه از درد، و نیرومند در برابر بی‌عدالتی. در جهانی که گاه از درد و خشونت لبریز می‌شود، شاید تنها شعله‌ای که بتواند تاریکی را بشکند، شعله معرفت و انسانیت باشد؛ چه کسی جز معلم می‌تواند نگهبان این شعله باشد؟ اوست که با کلامش امید می‌کارد، با پرسش‌هایش آگاهی می‌رویاند و با نگاهش یادآوری می‌کند که فهم جنگ، اگر به درک صلاح نینجامد، چیزی جز دانستن رنج دیگران نیست. آموزش در زمان جنگ، یعنی حفظ انسانیت در طوفانی که می‌خواهد همه چیز را از یاد ببرد. یعنی ساختن نسلی که نه از تاریخ می‌گریزد، نه در خشونت غرق می‌شود؛ نسلی که با دانایی و همدلی، جهان را دوباره می‌سازد.

او باید پلی بسازد میان واقعیت و آرمان. راه‌های خلاقانه نیز در خدمت این هدف هستند. «مطالعه موردی» جنگ‌ها و تصمیمات تاریخی، مناظره درباره ضرورت و اخلاق نبرد، یا حتی نقش‌آفرینی کنترل‌شده برای درک فشار تصمیم‌گیری در بحران، می‌توانند ذهن‌ها را به تجربه‌ای عمیق‌تر از دانستن بکشانند. در چنین فعالیت‌هایی، دانش‌آموز فقط شنونده نیست؛ تجربه‌کننده و اندیشمند است. او درمی‌یابد که جنگ، نه رویدادی در دوردست، بلکه پرسشی است که وجدان هر انسان را خطاب می‌کند. آموزش درباره جنگ، باید فراتر از نقل قهرمانی‌ها و شکست‌ها باشد؛ باید نسلی بیافریند که جنگ را تراژدی انسان بداند، نه میدان افتخار. نسلی که صلح را نه خاموشی و تسلیم در برابر ستم، بلکه ایستادگی هوشمند و انسانی در برابر ظلم بفهمد.



ایران

تورستان

توطئه‌های آمریکا

حمایت آمریکا از جنبش‌ها و اغتشاشات داخلی در ایران

مرضیه ترابی گودرزی |
کارشناسی امورتربیتی دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی

محور راهبردی نهفته است: الف) مهار قدرت فرامرزی: ایران به عنوان پیش‌شان «محور مقاومت»، هندسه قدرت مدنظر آمریکا را در منطقه برهم زده است. واشنگتن بر این باور است که ایجاد درگیری‌های داخلی، انرژی راهبردی تهران را از مرزها به درون معطوف کرده و قدرت بازدارندگی آن را تحلیل می‌برد.

ب) انتقام از استقلال سیاسی: جمهوری اسلامی الگوواره «زیست مستقل از بلوک‌بندی غرب» را ارائه کرده است. موفقیت این الگو، تهدیدی وجودی برای نظام‌های تحت سلطه آمریکا در منطقه محسوب می‌شود؛ لذا بی‌ثبات‌سازی ایران، پیامی تحذیری به دیگر ملت‌های منطقه است.

ج) بحران نفوذ واشنگتن: با کاهش تأثیرگذاری ابزارهای نظامی آمریکا، «آشوب داخلی» به آخرین سنگر برای بازگرداندن ایران به مدار نفوذ غرب تبدیل شده است. هدف نهایی، نه دموکراسی، بلکه جایگزینی حکمرانی مقتدر با یک ساختار سیاسی لرزان و تحت‌الحمایه است.

■ چگونگی مداخله: زرادخانه قدرت نرم و

تروریسم رسانه‌ای

آمریکا برای اجرایی کردن سناریوهای خود، شبکه پیچیده‌ای از ابزارهای سخت و نرم را به خدمت گرفته است:

الف) مهندسی اجتماعی از طریق پیام‌نکاران امنیتی: سازمان‌هایی نظیر «NED» (بنیاد ملی دموکراسی) و

■ در حالی که دهه‌های اخیر شاهد افول هژمونی سنتی ایالات متحده در غرب آسیا بوده است، واشنگتن با دگرگونی دکترین نظامی خود، از تقابل مستقیم به سمت «جنگ‌های ترکیبی» و «بی‌ثبات‌سازی از درون» تغییر مسیر داده است. حمایت سیستماتیک آمریکا از جنبش‌ها و اغتشاشات داخلی در ایران، نه یک اقدام بشردوستانه، بلکه پروژه‌ای امنیتی است که با هدف فروپاشی انسجام ملی و مهار قدرت منطقه‌ای تهران طراحی شده است. این نوشتار به بررسی لایه‌های پنهان «چرایی» و «چگونگی» این مداخلات و تبیین چرخه شکست‌های راهبردی کاخ سفید در برابر اراده ملی ایران می‌پردازد.

■ چرایی مداخله: هراس از تولد نظم نوین منطقه‌ای انگیزه‌های آمریکا در دامن زدن به ناآرامی‌های داخلی ایران را نباید در شعارهای رمانتیک «حقوق بشر» جست‌وجو کرد؛ ریشه این مداخلات در سه

آن‌ها با تکنیک‌های «ادراک‌سازی»، مشکلات معیشتی ناشی از تحریم‌های ظالمانه آمریکا را به کارآمدی نظام گره می‌زنند تا خشم اجتماعی را به سمت تقابل فیزیکی با حاکمیت هدایت کنند.

هشتگ‌های ساختگی و سانسور روایت‌های مدافع امنیت، بخشی از این عملیات روانی است.

■ رسانه‌های فارسی‌زبان؛ اتاق جنگ روانی

شبکه‌هایی چون من و تو، ایران اینترنشنال، رادیو فردا و دنباله‌های ماهواره‌ای آن‌ها، از فرمت اطلاع‌رسانی خارج شده و به «اتاق فرماندهی عملیات» تبدیل شده‌اند. آن‌ها با تکنیک‌های «ادراک‌سازی»، مشکلات معیشتی ناشی از تحریم‌های ظالمانه آمریکا را به کارآمدی نظام گره می‌زنند تا خشم اجتماعی را به سمت تقابل فیزیکی با حاکمیت هدایت کنند.

■ استاندارد دوگانه

نقاب دموکراسی
بر چهره استبداد
تجربه تاریخی
نشان داده است
که حمایت

«USAID»، در واقع بازوان اجرایی سازمان سیا برای شناسایی و سازماندهی شبکه‌های نفوذ هستند. این نهادها با تزریق بودجه‌های میلیون دلاری، پروژه‌هایی تحت عنوان «آموزش مدنی» را پیش می‌برند که خروجی نهایی آن‌ها، تربیت لیدرهای میدانی برای هدایت اغتشاشات خیابانی است.

ب) تسلیح فضای مجازی: پلتفرم‌های سیلیکون ولی تحت فرامین امنیتی، الگوریتم‌های خود را برای برجسته‌سازی خشونت و

تولید «ترس جمعی»

در ایران تنظیم

می‌کنند. ایجاد

ارتش‌های

رباتیک برای

ترند کردن



حقیقت آن است که سیاست «فشار حداکثری» و «بی‌ثبات‌سازی داخلی» به بن‌بست رسیده است. واشنگتن باید بپذیرد که دوران دیکته‌کردن سیاست‌ها به تهران به سر آمده و هرگونه تلاش برای تضعیف ایران از درون، تنها به استواری بیشتر ملت و شتاب گرفتن افول آمریکا در قلب جهان اسلام منجر خواهد شد.

آمریکا از جنبش‌ها، صرفاً تا زمانی ادامه دارد که در تضاد با منافع هژمونیک نباشد. سکوت مرگبار واشنگتن در برابر سرکوب خونین معترضان در کشورهای همسو و یا نادیده گرفتن جنایات رژیم صهیونیستی، به وضوح نشان می‌دهد که «حقوق بشر» برای کاخ سفید تنها یک «برچسب سیاسی» است. در ایران، واشنگتن اوباشگری و تخریب اموال عمومی را «آزادی‌خواهی» می‌نامد، در حالی که مشابه این اقدامات در واشنگتن (نظیر وقایع ۶ ژانویه) با برچسب «تروریسم داخلی» و سخت‌ترین برخوردهای قضایی روبرو می‌شود.

سکوت مرگبار واشنگتن در برابر سرکوب خونین معترضان در کشورهای همسو و یا نادیده گرفتن جنایات رژیم صهیونیستی، به وضوح نشان می‌دهد که «حقوق بشر» برای کاخ سفید تنها یک «برچسب سیاسی» است.

■ چرا ایران گورستان توطئه‌هاست؟

علیرغم سرمایه‌گذاری سنگین در پروژه‌های بی‌ثبات‌سازی، راهبرد آمریکا در ایران همواره با «دیوار سخت واقعیت» برخورد کرده است؛ دلایل این شکست مستمر عبارتند از:

الف) عمق راهبردی و پایگاه مردمی: برخلاف دولت‌های دست‌نشانده، قدرت در ایران ریشه در بطن جامعه و آرمان‌های انقلابی دارد. پیوند میان مردم و حاکمیت در لحظات بحرانی، همواره محاسبات واشنگتن را به هم ریخته است.

ب) اشراف اطلاعاتی و تاب‌آوری امنیتی: نهادهای امنیتی ایران با شناخت دقیق از متدهای «انقلاب‌های رنگی»، توانسته‌اند شبکه‌های نفوذ را پیش از عملیاتی شدن خنثی کنند.

ج) آگاهی ملی نسبت به فرجام مداخله: ملت ایران با نگرستن به سرنوشت تلخ کشورهای چون لیبی، سوریه و عراق به خوبی درک کرده‌اند که «ارمغان آمریکا»، آزادی نیست بلکه ویرانی، تجزیه و فقر ساختاری است.

■ امروز ایران نه تنها از گذرگاه این آشوب‌های هدایت‌شده عبور کرده، بلکه با تبدیل تهدیدها به فرصت، توانسته است انسجام داخلی خود را تقویت و نفوذ منطقه‌ای‌اش را تثبیت کند.



ملت؛ دژ نفوذناپذیر ایران

از میدان جنگ تا افکار عمومی؛ نقش تعیین کننده ملت

■ نقش مردم در جنگ نظامی؛ از دفاع مقدس تا تقابل کنونی با ابعاد نوین

تاریخ انقلاب اسلامی، گواه زنده‌ای بر این مدعاست که قدرت اصلی این نظام، نه در تسلیحات، بلکه در اراده پولادین مردمی است که جان‌برکف، آماده دفاع از آرمان‌ها و سرزمین خویش هستند. در دوران هشت سال دفاع مقدس، این حضور گسترده و داوطلبانه مردم بود که خط مقدم جبهه‌ها را از نیروهای مسلح پشتیبانی می‌کرد و موجب شد تا در برابر تمامی تجهیزات و حمایت‌های جهانی از رژیم بعث، مقاومت ایران نه تنها ایستادگی کند، بلکه پیروز شود. امروز نیز، در تقابل با آمریکا و صهیونیسم، این روحیه مردمی است که نبض مقاومت را در دست دارد و با درک شرایط جدید جنگی، ابعاد نوینی به خود گرفته است. جنگ امروز دیگر صرفاً در مرزها نیست، بلکه در لایه‌های مختلف جامعه جریان دارد و حضور، همدلی و حمایت مردم، حیاتی‌ترین مؤلفه پیروزی است.

رویدادهای اخیر و جنگی که در ۱۲ روز گذشته شاهد آن بودیم، نمونه‌ای بارز از اوج‌گیری خشم ملت ایران در برابر جنایات و تجاوزات دشمنان در منطقه بود. واکنش‌های خودجوش مردمی، تجمع‌های گسترده در حمایت از مقاومت و نمایش همدلی با جبهه مقاومت، نشان داد که علی‌رغم تمامی جنگ روانی دشمن و تلاش برای القای ناامیدی، اراده ملی برای دفاع از آرمان‌ها و اصول، همچنان پابرجا و حتی تقویت شده است. این حضور مردمی، نه تنها یک نمایش احساسی،

در دوران پرآشفتگی کنونی جهان، جمهوری اسلامی ایران در خط مقدم جبهه‌ای نابرابر قرار گرفته است؛ نبردی که ابعاد گوناگون آن، از جنگ ترکیبی اقتصادی و فرهنگی گرفته تا تقابل نظامی مستقیم، تمامی ملت را در بر گرفته است. در این میان، آنچه همواره به‌عنوان دژی مستحکم و غیرقابل نفوذ، ملت ایران را در برابر فشارهای بی‌امان قدرت‌های استکباری، به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی، بیمه کرده است، نقش بی‌بدیل و انسجام ملی مردم بوده است. این پیوند ناگسستنی میان مردم و نظام، آن‌چنان قدرتمند است که تمامی نقشه‌های دشمنان را در هم شکسته و اقتدار ملی را تضمین کرده است. همان‌طور که امام شهید آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در یکی از سخنان راهبردی خود فرمودند: «بزرگ‌ترین سلاح ملت ایران، انسجام و وحدت کلمه است؛ اگر این وحدت حفظ شود، هیچ قدرتی نمی‌تواند ملت ایران را شکست دهد.» این اصل، امروز در بطن تقابل نظامی کنونی، بیش از هر زمان دیگری تجلی یافته و عمق راهبردی خود را نشان می‌دهد.

این حضور گسترده و داوطلبانه مردم بود که خط مقدم جبهه‌ها را از نیروهای مسلح پشتیبانی می‌کرد

حفظ آرامش و پرهیز از هیجانات آنی: دشمنان به دنبال ایجاد تنش و التهاب در جامعه هستند. حفظ آرامش، تمرکز بر وظایف روزمره و اعتماد به برنامه‌ریزی‌های کلان کشور، نقش مهمی در خنثی کردن دسیسه‌های دشمن دارد.

■ تقویت روحیه همدلی و همبستگی اجتماعی: در شرایط بحرانی، توجه به نیازمندان، حمایت از یکدیگر و تقویت روابط اجتماعی سالم، پایه‌های انسجام ملی را مستحکم‌تر می‌سازد.

■ پشتیبانی مردمی؛ بازوی قدرتمند نیروهای مسلح در جنگ ترکیبی
در جنگ نظامی امروز که ابعاد آن به جنگ ترکیبی گسترش یافته است، صرف داشتن تسلیحات پیشرفته کافی نیست؛ عاملی

نیروهای ایران، با درک عمیق از اهمیت این نبرد، در خط مقدم حمایت از نیروهای مدافع حاضرند. حیاتی‌تر، عزم و اراده مردمی است که پشتوانه مسلح خود باشند. امروز، مردم ایران، با درک عمیق از اهمیت این نبرد، مقدم حمایت از نیروهای مدافع حاضرند.

■ این حمایت، تنها در ابعاد معنوی خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل تلاش‌های شبانه‌روزی در حوزه‌های پشتیبانی، تأمین نیازهای جبهه و آمادگی برای هرگونه اقدام عملی است. از کمک‌های مالی و لجستیکی گرفته تا حضور در صفوف داوطلبانه،

بلکه نمایشگر آمادگی عملی برای هرگونه فداکاری در راه دفاع از ارزش‌های اسلامی و ملی است. این انسجام، پیامی قاطع به دشمنان داد که هرگونه تجاوز به امنیت و منافع محور مقاومت، با پاسخی سخت، کوبنده و همه‌جانبه از سوی ملت ایران و متحدانش مواجه خواهد شد. این نمایش وحدت، قدرت بازدارندگی ایران را در سطح منطقه و جهان دوچندان کرده است.

■ چگونه مردم می‌توانند در شرایط کنونی به انسجام و وحدت ملی کمک کنند؟

در شرایط حساس کنونی که کشور با تهدیدات خارجی روبه‌روست، هر شهروند ایرانی می‌تواند با اقداماتی مشخص، به تقویت انسجام ملی و آمادگی دفاعی کمک کند:

■ پرهیز از انتشار اخبار غیرموثق و دامن‌زدن به شایعات: در عصر اطلاعات، انتشار اخبار نادرست می‌تواند به اندازه حملات نظامی، مخرب باشد. مردم باید با دقت، منابع خبری را بررسی کرده و از بازنشر مطالبی که موجب تفرقه یا نگرانی بی‌مورد می‌شود، خودداری کنند. اعتماد به رسانه‌های داخلی و تحلیل‌های رسمی، نخستین گام در حفظ وحدت اطلاعاتی است.

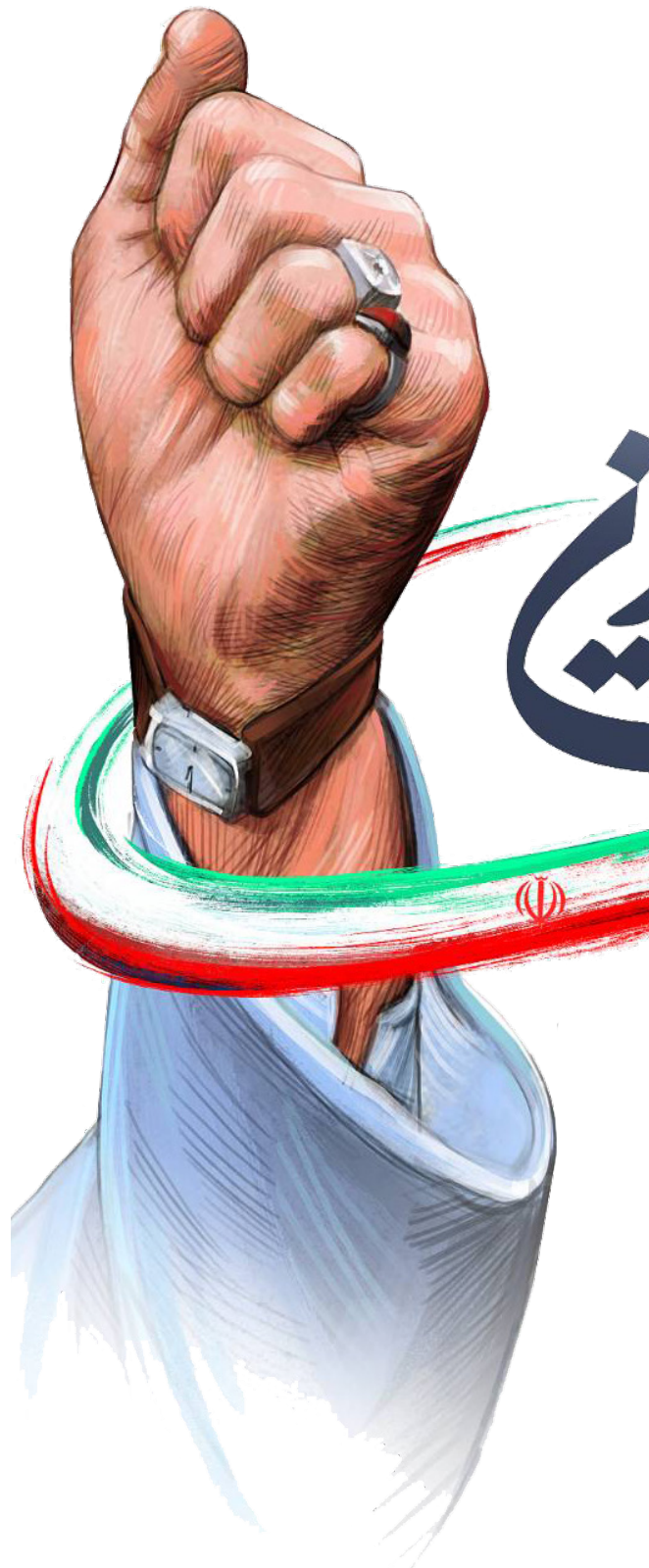
■ حمایت عملی از جبهه مقاومت: شرکت در تجمعات حمایتی، کمک به خانواده‌های شهدا و ایثارگران و هرگونه اقدام داوطلبانه‌ای که روحیه رزمندگان و مبارزان را تقویت کند، گامی مؤثر در جهت نمایش وحدت ملی است. این حمایت‌ها، چهره واقعی ملت ایران را به دشمنان نشان می‌دهد.

■ تقویت اقتصاد مقاومتی در سطح فردی: خودکفایی در مصرف، حمایت از تولیدات داخلی و صرفه‌جویی در منابع، به کاهش فشار اقتصادی دشمن کمک شایانی می‌کند. هر اقدام کوچک در این زمینه، سهمی در مقاومت اقتصادی کشور دارد.

هر فرد ایرانی نقشی حیاتی در تقویت توان دفاعی کشور ایفا می‌کند. این روحیه جهادی و آمادگی و همیشگی، دشمن را در محاسبه اشتباه و تصور ضعف در جبهه مقاومت ناکام می‌گذارد و نشان می‌دهد که ملت ایران، پشتوانه‌ای بی‌کران برای نیروهای مسلح خود است.

■ تأثیر روانی و رسانه‌ای؛ هوشیاری مردم در برابر جنگ نرم

دشمنان تلاش می‌کنند تا با ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی، شکاف در انسجام ملی ایجاد کنند و روحیه مردم را تضعیف نمایند؛ اما هوشیاری و بصیرت ملت ایران که حاصل سال‌ها تجربه در مقابله با جنگ نرم است، این ترفندها را خنثی می‌کند. مردم ایران، با درک واقعیت‌های میدانی و تشخیص اخبار جعلی از واقعیت، هرگونه تلاش دشمن برای تفرقه‌افکنی را ناکام می‌گذارند. این آگاهی، خود به‌عنوان یک سلاح دفاعی عمل کرده و انسجام ملی را در برابر حملات فرهنگی و رسانه‌ای دشمن حفظ می‌کند. جنگ اطلاعاتی امروز، نیازمند هوشمندی دوجندان است تا صفوف ملت همچنان متحد و استوار باقی بماند. در نهایت، قدرت بازدارندگی و اقتدار جمهوری اسلامی ایران، بیش از هر عامل دیگری، مرهون انسجام ملی و نقش فعال مردم است. در مواجهه با جنگ نظامی آمریکا و صهیونیسم، این مردم هستند که با اراده‌ای پولادین، همدلی بی‌بدیل و آمادگی همیشگی برای دفاع، دژ نفوذناپذیر ایران را تشکیل می‌دهند. حماسه‌هایی چون جنگ ۱۲ روزه اخیر، نشان داد که ملت ایران، کوچک‌ترین تعدی را برنمی‌تابد و با تمام توان، از آرمان‌ها و امنیت خود دفاع خواهد کرد. این همان گوهری است که دشمنان، علی‌رغم تمامی تلاش‌هایشان، قادر به درک یا شکستن آن نیستند و در برابر اراده جمعی ملتی متحد، همواره شکست‌خورده‌اند.



بازیگران پنهان تاثیرات آشکار

نقش گروه‌های نیابتی در منطقه: بررسی حمایت‌ها و تأثیرات آن‌ها

شیدا شیروانی | پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم
عضو شورای عمومی انجمن اسلامی



با آغاز تجاوز رژیم آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران، شاهد حمایت‌ها و اقدامات نظامی از سوی کشورهای منطقه غرب آسیا علیه سرزمین‌های اشغالی و پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه بوده‌ایم. لذا ضروری است به بررسی شکل‌گیری این محور مقاومت، رهبران و کلیت آن بپردازیم.

■ گروه‌های اصلی محور مقاومت:

گروه‌های اصلی‌تر محور مقاومت شامل دولت ایران، حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، حماس و جنبش جهاد اسلامی فلسطین و گروه‌های سازمان‌یافته شیعیان عراق است. جزئیات بیشتر به شرح زیر است:

۱. جنبش امل:

بنیان‌گذار: امام موسی صدر
مذهب: تشیع
خاستگاه: لبنان

۲. جنبش جهاد اسلامی فلسطین:

بنیان‌گذار: فتحی شقافی
مذهب: اهل سنت
خاستگاه: غزه

۳. حزب‌الله لبنان:

مذهب: شیعه
خاستگاه: لبنان

۴. حماس:

بنیان‌گذار: شیخ احمد یاسین
مذهب: اهل سنت
خاستگاه: فلسطین

۵. سپاه قدس:

بنیان‌گذار: سید علی خامنه‌ای
مذهب: تشیع
خاستگاه: ایران

■ محور مقاومت:

محور مقاومت، ائتلافی ژئوپلیتیک منطقه‌ای (نظامی-سیاسی) میان چند کشور و نیروهای دولتی و غیردولتی است. این نیروها که عمدتاً شیعه هستند، در کشورهای ایران، لبنان، یمن، فلسطین و عراق مستقر بوده و اهداف آن‌ها مبارزه با اشغالگری اسرائیل در فلسطین، نفوذ آمریکا و صهیونیسم و جلوگیری از گسترش گروه‌های تکفیری مانند داعش و القاعده در منطقه بوده است.

شکل‌گیری محور مقاومت حاصل انقلاب اسلامی ایران و انعکاس منطقه‌ای و بین‌المللی آن در جنبش‌های بیداری اسلامی و حمایت جمهوری اسلامی از جنبش‌های ضداستبدادی و ضداستعماری است. هویت مشترک منطقه‌ای حول ارزش‌ها و هنجارهای مشترک اجتماعی، دینی و فرهنگی و همچنین تأثیرپذیری از گفتمان اسلام سیاسی، از ویژگی‌های اصلی محور مقاومت است که موجب اتحاد اعضا و شکل‌گیری این محور شده است. این امر منجر به ایجاد نظمی نوین در منطقه و تغییر موازنه قدرت در صحنه جهانی، افول هژمونی آمریکا و حرکت وزنه قدرت از نظام غرب‌محور به نظام آسیا‌محور شده است.

نفی سبیل، شهادت‌طلبی، مردم‌سالاری دینی، مهدویت و افزایش قدرت نظامی.

■ پوشش رسانه‌ای:

نیروهای محور مقاومت برای پوشش فعالیت‌ها و اهداف خود، اقدام به تأسیس شبکه‌ها و خبرگزاری‌هایی مانند شبکه المنار، شبکه المیادین، شبکه المسیره و شبکه الفرات کرده‌اند. صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نیز در پوشش خبری اقدامات این محور، برنامه‌های متعددی را تهیه و پخش می‌کند.

شکل‌گیری محور مقاومت حاصل انقلاب اسلامی ایران و انعکاس منطقه‌ای و بین‌المللی آن در جنبش‌های بیداری اسلامی و حمایت جمهوری اسلامی از جنبش‌های ضد استبدادی و ضد استعماری است.



۶. لشکر زینبیون:

بنیان‌گذار: گروهی از شیعیان پاکستان
مذهب: تشیع
خاستگاه: پاکستان

۷. لشکر فاطمیون:

بنیان‌گذار: تعدادی از رزمندگان افغانستان
مذهب: شیعه
خاستگاه: افغانستان

۸. حشد الشعبی عراق:

شخصیت برجسته: ابومهدی المهندس
مذهب: تشیع
خاستگاه: عراق

■ دستاوردها، اقدامات و راهبردها:

محور مقاومت از ابتدای تشکیل، اقدامات و دستاوردهایی داشته که آن را به یک بازیگر مهم منطقه‌ای و تا حدودی بین‌المللی تبدیل کرده است. از جمله این اقدامات می‌توان به مبارزات ایران، گروه‌های فلسطینی و حزب‌الله لبنان در مقابل اقدامات اشغال‌گرانه اسرائیل، مبارزه ایران، عراق و سوریه و گروه‌های مقاومت در برابر گسترش نفوذ داعش در عراق و سوریه و در نهایت مقابله انصارالله یمن با تهاجم کشورهای عربی به یمن اشاره کرد.

به‌طور خلاصه، دستاوردهای این محور عبارتند از:

- تقویت جایگاه شیعیان در منطقه غرب آسیا
- مقابله با اشغال‌گری اسرائیل
- مقابله با گروه‌های تکفیری در عراق و سوریه
- دفاع انصارالله یمن در برابر تهاجم کشورهای عربی
- تقویت روحیه «آمریکاستیزی» در منطقه غرب آسیا

■ اتحاد و انسجام:

اعضای محور مقاومت در چند ویژگی و راهبرد اتفاق نظر دارند که باعث اتحاد و انسجام آن شده است. مهم‌ترین آن‌ها، تأثیرپذیری از گفتمان اسلام سیاسی است. دیگر موارد عبارتند از: قاعده

حسین سروستانی | پزشکی دانشگاه علوم پزشکی آبادان
دبیر شورای ناظر بر نشریات

حمایت



یا مداخلة؟

پشت پرده نقش آمریکا در اعتراضات ایران

می‌کنند، در زمان بروز اغتشاشات به یکی از مهم‌ترین منابع خبر و تحلیل درباره تحولات داخلی ایران تبدیل می‌شوند. برخی از این رسانه‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از سوی نهادهای غربی یا دولت‌های خارجی حمایت مالی می‌شوند و به همین دلیل، عملکرد آن‌ها صرفاً در چارچوب اطلاع‌رسانی قرار نمی‌گیرد، بلکه بخشی از یک جنگ رسانه‌ای و روانی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، این رسانه‌ها با پوشش گسترده اغتشاشات، انتشار تصاویر و ویدئوها و همچنین دعوت از فعالان سیاسی و مخالفان حکومت، تلاش می‌کنند فضای افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند.

عامل دیگری که در سال‌های اخیر مورد بحث قرار گرفته، نقش شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال در گسترش اعتراضات است. بسیاری از این پلتفرم‌ها متعلق به شرکت‌های بزرگ فناوری آمریکایی هستند و بستر اصلی ارتباط و انتشار اطلاعات در فضای مجازی به شمار می‌روند. در زمان اغتشاشات، این شبکه‌ها به ابزار مهمی برای هماهنگی، اطلاع‌رسانی و انتشار تصاویر و اخبار تبدیل می‌شوند. سیاست‌های این شرکت‌ها در مدیریت محتوا یا ارائه خدمات می‌تواند به گسترش فضای اغتشاشات کمک کند.

در سال‌های اخیر، نقش ایالات متحده آمریکا در قبال اعتراضات و ناآرامی‌های ایران به یکی از موضوعات مهم در تحلیل‌های سیاسی و رسانه‌ای تبدیل شده است. مقامات آمریکایی در دوره‌های مختلف، به‌طور علنی از آنچه «اعتراضات مردمی» در ایران می‌نامند، حمایت کرده‌اند و این حمایت را در چارچوب دفاع از آزادی بیان، حقوق بشر و حق اعتراض توجیه کرده‌اند. با این حال، در داخل ایران بسیاری از تحلیلگران و مسئولان، این رویکرد را صرفاً حمایت اخلاقی یا حقوق بشری نمی‌دانند، بلکه آن را بخشی از یک راهبرد گسترده‌تر برای اعمال فشار سیاسی و تأثیرگذاری بر تحولات داخلی ایران ارزیابی می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این حمایت، موضع‌گیری‌های صریح و سریع مقامات آمریکایی در زمان وقوع اعتراضات در ایران است. در سال‌های گذشته، از اعتراضات سال ۱۳۸۸ گرفته تا رخداد‌های سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴، مقامات ارشد ایالات متحده بارها با انتشار بیانیه‌ها و پیام‌هایی در شبکه‌های اجتماعی از معترضان حمایت کرده‌اند. رؤسای جمهور آمریکا، وزرای خارجه و بسیاری از سناتور‌ها و مقام‌های رسمی، در چنین مواقعی از «حق مردم ایران برای اعتراض» سخن گفته و از دولت ایران خواسته‌اند که با معترضان برخورد نکند. این مواضع معمولاً با پوشش گسترده رسانه‌های غربی همراه بوده و در بسیاری از موارد تلاش شده است اعتراضات داخلی ایران در سطح جهانی برجسته و به‌عنوان یک حرکت گسترده اجتماعی معرفی شود.

در کنار مواضع رسمی سیاسی، نقش رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور نیز در این روند مورد توجه قرار گرفته است. شبکه‌هایی که در خارج از ایران فعالیت

پیروزی در جنگ روایت‌ها؛ تقابل ارزش‌های دموکراتیک و حاکمیت ملی.

در مقابل، دولت آمریکا تأکید می‌کند که هدف از تحریم‌ها، تغییر رفتار دولت ایران در حوزه‌هایی مانند برنامه هسته‌ای و سیاست‌های منطقه‌ای است، نه فشار بر مردم. با در نظر گرفتن این عوامل، برخی تحلیلگران سیاست آمریکا در قبال ایران را نوعی راهبرد چندبعدی می‌دانند که شامل فشار اقتصادی، حمایت رسانه‌ای، فعالیت‌های دیپلماتیک و بهره‌گیری از ابزارهای فناوری و اطلاعاتی است. در این چارچوب، حمایت از اعتراضات و طرح مسائل حقوق بشری به یکی از ابزارهای مهم در سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده است. این سیاست، از نگاه واشنگتن، دفاع از حقوق مردم و آزادی‌های مدنی تلقی می‌شود، اما می‌تواند بخشی از یک رقابت ژئوپلیتیکی و تلاش برای

تضعیف ساختار سیاسی کشور باشد. مقامات آمریکایی این حمایت را در چارچوب ارزش‌های دموکراتیک و دفاع از حقوق بشر توصیف می‌کنند، در حالی که این رویکرد می‌تواند نمونه‌ای از دخالت خارجی و تلاش برای بی‌ثبات‌سازی در کشور باشد. همین اختلاف روایت‌ها باعث شده است که مسئله اغتشاشات در ایران، نه تنها یک موضوع داخلی، بلکه بخشی از رقابت سیاسی و رسانه‌ای گسترده‌تر میان ایران و ایالات متحده در سطح بین‌المللی باشد.

در مقابل، مقامات آمریکایی تأکید می‌کنند که حمایت از دسترسی آزاد به اینترنت و جریان آزاد اطلاعات، بخشی از تعهد آن‌ها به آزادی بیان در سراسر جهان است. در کنار این موارد، گزارش‌هایی نیز درباره برنامه‌های حمایتی یا آموزشی برای فعالان مدنی و سیاسی ایرانی در خارج از کشور منتشر شده است. برخی سازمان‌ها و نهادهای مستقر در غرب، برنامه‌هایی را برای آموزش کنشگری مدنی، فعالیت رسانه‌ای، امنیت دیجیتال و سازمان‌دهی فعالیت‌های اجتماعی برگزار می‌کنند. از نگاه حامیان این برنامه‌ها، چنین اقداماتی به تقویت جامعه مدنی و افزایش آگاهی عمومی کمک می‌کند؛ اما

این اقدامات می‌تواند نوعی مداخله در امور داخلی کشور و تلاشی برای شکل‌دهی به جریان‌های سیاسی مخالف تلقی شود. از سوی دیگر، تحریم‌های اقتصادی گسترده‌ای که آمریکا در سال‌های اخیر علیه ایران اعمال کرده، نیز در برخی تحلیل‌ها به‌عنوان بخشی از همین سیاست فشار مطرح می‌شود. برخی تحلیلگران معتقدند که تشدید فشارهای اقتصادی می‌تواند به نارضایتی اجتماعی و شکل‌گیری منجر شود. اقتصاد و مواضع فضایی اعتراضات

افزایش در نتیجه، اعتراضات ترکیب فشار حمایت رسانه‌ای سیاسی می‌تواند ایجاد کند که داخلی تقویت شود.



فاطمه زارع | علوم آزمایشگاهی دانشگاه علوم پزشکی جهرم
عضو تشکیلات دفتر تحکیم وحدت

روایت‌های جنگ؛

نبردی در میدان ذهن‌ها

نقش رسانه‌ها در شکل دهی به درک عمومی از جنگ ایران با محور غربی - صهیونیستی

■ رسانه‌ها؛ مهندسان ادراک جهانی

وقتی رژیم صهیونیستی کودکان غزه را می‌کشد، رسانه‌های غربی آن را «دفاع مشروع» می‌نامند؛ اما اگر ایران از مردم مظلوم حمایت کند، ناگهان عنوان «دخالت و تهدید منطقه‌ای» به خود می‌گیرد. در همین واژه‌بازی، هدف اصلی رسانه‌های استکباری آشکار می‌شود: تغییر فهم جهانی از عدالت و مقاومت.

شبکه‌های بزرگ خبری مانند بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان و فاکس نیوز، با واژگان گزینشی، روایتی می‌سازند که ذهن بیننده را آرام‌آرام در مسیر رضایت از ظلم قرار دهد. این روش روانی القاء، در کنار تصویرسازی‌های حساب‌شده از ایران و محور مقاومت، می‌کوشد میان مردم جهان فاصله‌ای عاطفی و ارزشی نسبت به ما ایجاد کند.

برای جوانان غربی، ایران در قاب رسانه‌ها کشوری منزوی و افراطی جلوه داده می‌شود و برای برخی در داخل کشور نیز، با تکرار همان واژگان در بعضی صفحات مجازی، تردید نسبت به هویت انقلابی شکل می‌گیرد. این دقیقاً همان هدف دشمن است: تضعیف ایمان به درستی راه و بی‌اعتمادسازی نسبت به ریشه‌های انقلاب.

■ شبکه‌های اجتماعی؛ میدان نفوذ و جهاد تبیین

در عصر شبکه‌های اجتماعی، هر انسان، رسانه‌ای است. دشمن این فضا را بهترین بستر برای نفوذ فکری دانسته است. هزاران حساب کاربری ساختگی، با ظاهری ساده، پیام‌هایی ظریف منتشر

در روزگار ما، دیگر جنگ بدون بمب و موشک هم می‌تواند سرنوشت ملت‌ها را تغییر دهد. دشمن، اگر نتواند خاک را اشغال کند، ذهن‌ها را فتح می‌کند. این واقعیت، چهره‌ی جدیدی از نبرد را آشکار ساخته است؛ نبردی که در آن، سلاح‌ها از جنس تصویر، واژه و خبرند. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به سنگ‌های اصلی این جنگ تبدیل شده‌اند؛ جایی که با هر کلیک، تیر دیگری به سمت افکار عمومی شلیک می‌شود.

برای ما، نسل جوان انقلابی، درک این صحنه نبرد حیاتی است. جنگ امروز میان ایران و محور غربی-صهیونیستی، صرفاً در آسمان و زمین جریان ندارد، بلکه در حوزه‌ی شناخت و ادراک اجتماعی رخ می‌دهد. آنان می‌کوشند حقیقت را تحریف کنند و با تغییر معنای واژگان، چهره‌ای وارونه از واقعیت بسازند. این همان چیزی است که رهبر انقلاب بارها از آن به‌عنوان «جنگ روایت‌ها» یاد کرده‌اند.

**امروز خرد، ایمان و بصیرت،
تعیین‌کننده‌تر از موشک‌ها
و هواپیماها هستند.**

آن‌ها از حقوق بشر سخن می‌گویند، اما چشم بر نسل‌کشی در غزه می‌بندند؛ از آزادی حرف می‌زنند، اما صدای مستقل ملت‌ها را سانسور می‌کنند.

این تحریف‌زبانی، همان مین نادیدنی جنگ رسانه‌ای است. جوان مؤمن باید زبان دشمن را بشناسد تا فریب معنای ظاهری واژه‌ها را نخورد. فهم زبان رسانه، به معنای واقعی، یک عمل جهادگرانه است؛ زیرا سبب می‌شود فرد بتواند حقیقت را از لایه‌های دروغ بیرون بکشد.

■ نتیجه‌گیری؛ پیروزی بصیرت در جنگ روایت‌ها

امروز دیگر موشک‌ها و هواپیماها تعیین‌کننده پیروزی نیستند، بلکه خرد، ایمان و قدرت روایت است که می‌تواند سرنوشت ملت‌ها را رقم بزند. در این میدان، جوانان ایرانی با تکیه بر بصیرت و دانایی، سنگر نوینی ساخته‌اند. آن‌ها یاد گرفته‌اند که هر خبر را با شک سالم بخوانند، هر تصویر را با هوشیاری ببینند و هر روایت را در ترازوی حقیقت بسنجند.

جنگ روایت‌ها ادامه دارد، اما حقیقت، نیرومندترین سلاح ماست. تا زمانی که نسل ما با ایمان و خرد در میدان تبیین باقی بماند، هیچ عملیات روانی، هیچ جنگ اطلاعاتی و هیچ تحریف رسانه‌ای نمی‌تواند چهره‌ی واقعی ملت ایران را مخدوش کند.

■ این سطرها تنها تحلیل نیستند؛ اعلام حضور نسلی‌اند که تصمیم گرفته با قلم و بصیرت، در برابر ارتش دروغ بایستد.

می‌کنند تا یأس، بی‌اعتمادی و گسست میان مردم و نظام ایجاد شود. تصویرهای ساختگی، خبرهای ناقص و تحلیل‌های جهت‌دار، مهمات این نبرد نرم‌اند.

اما در همین میدان، فرصتی بزرگ نهفته است. جوان انقلابی، اگر آگاه باشد، می‌تواند از شبکه‌ها به‌عنوان سنگر «جهاد تبیین» استفاده کند. هر پست صادقانه‌ای که حق را روشن کند و هر تحلیل منصفانه‌ای که به گلوله‌ای را آشکار سازد، به گلوله‌ای در برابر جنگ روانی دشمن تبدیل می‌شود. ما می‌توانیم با زبان منطق، اخلاق و ایمان، روایت دیگری بسازیم؛ روایتی که از دل مردم می‌آید و بر پایه‌ی حقیقت و عدالت استوار است.

نسل ما باید بداند که سکوت در مقابل تحریف، نوعی پذیرش شکست است. پس باید فعالانه حضور یابد، حقیقت انقلاب اسلامی را با شیوایی و ادب بیان کند و نشان دهد که مقاومت، نه خشونت است و نه تعصب، بلکه ادامه‌ی عقلانیت تاریخی یک ملت در برابر فشار جهانی است.

■ نفوذ واژگان؛ جنگ خاموش بر ذهن‌ها

دشمن دیگر نیازی به گلوله ندارد، وقتی واژه‌هایش می‌توانند معنا را تغییر دهند. اصطلاحاتی مانند «بازدارندگی»، «حقوق بشر» و حتی «آزادی»، در قاموس رسانه‌های غربی، معنایی وارونه پیدا کرده‌اند.



زرگس خطیب دماوندی |
کارشناس زیست گیاهی، دانشگاه الزهرا (س)

معادلات قدرت در عصر هسته‌ای

غنی‌سازی اورانیوم؛ از امنیت انرژی تا تثبیت جایگاه ایران در نظم جهانی

در جهان معاصر، فناوری هسته‌ای دیگر صرفاً یک حوزه علمی پیشرفته محسوب نمی‌شود، بلکه به یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده قدرت ملی، استقلال فناورانه و جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل تبدیل شده است. در این میان، غنی‌سازی اورانیوم به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین بخش‌های چرخه سوخت هسته‌ای، نقشی کلیدی در معادلات سیاسی و راهبردی جهان ایفا می‌کند. این فناوری در نقطه تلاقی سه حوزه مهم قرار دارد: توسعه علمی و صنعتی، امنیت انرژی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی. به همین دلیل، کشورهایی که به این فناوری دست می‌یابند، نه تنها از نظر فنی پیشرفته‌تر محسوب می‌شوند، بلکه در معادلات قدرت جهانی نیز وزن بیشتری پیدا می‌کنند.

از نظر فنی، غنی‌سازی اورانیوم فرآیندی است که در آن نسبت ایزوتوپ شکافت‌پذیر اورانیوم-۲۳۵ در سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، در صورت تغییر مسیر برنامه، می‌تواند ظرفیت تولید مواد با غنای بالاتر را نیز فراهم کند. همین ویژگی باعث شده است که غنی‌سازی اورانیوم در قلب نظام بین‌المللی عدم اشاعه هسته‌ای قرار گیرد و همواره موضوعی حساس در روابط میان کشورها باشد.

در چارچوب حقوق بین‌الملل، پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) تلاش کرده است میان دو اصل مهم تعادل ایجاد کند: جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تضمین حق کشورها برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای.

**تربیت نسل نوین متخصصان؛
دستاورد پنهان اما حیاتی
صنعت هسته‌ای.**

شدیدتر می‌شود، کشورهایی که توانایی تسلط بر دانش‌های راهبردی را دارند، می‌توانند جایگاه خود را در معادلات علمی و اقتصادی جهان تقویت کنند. از این منظر، برنامه هسته‌ای را می‌توان تلاشی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فناوری در جهت توسعه ملی، ارتقای توان علمی و استفاده صلح‌آمیز یکی از پیشرفته‌ترین فناوری‌های عصر حاضر دانست.

عدم اشاعه، نقش مهمی در نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورها ایفا می‌کند. همکاری با این نهاد و اجرای سازوکارهای راستی‌آزمایی می‌تواند به افزایش شفافیت برنامه‌های هسته‌ای و کاهش نگرانی‌های بین‌المللی کمک کند.

در سطوح داخلی، برنامه هسته‌ای اغلب به عنوان نمادی از توان علمی و پیشرفت فناوری کشور مطرح شده است. توسعه فناوری سانتریفیوژ، ایجاد مراکز تحقیقاتی پیشرفته و تربیت هزاران متخصص در حوزه‌های فیزیک هسته‌ای، مهندسی و علوم مرتبط، نشان‌دهنده شکل‌گیری یک زیرساخت علمی گسترده در این حوزه است. این زیرساخت، نه تنها برای برنامه هسته‌ای، بلکه برای پیشرفت در سایر حوزه‌های فناوری پیشرفته نیز اهمیت دارد.

غنی‌سازی اورانیوم را باید در چارچوبی گسترده‌تر از سیاست جهانی، توسعه علمی و امنیت انرژی تحلیل کرد. این فناوری هم‌زمان می‌تواند ابزاری برای پیشرفت علمی،

تضمین استقلال فناوریانه و تقویت جایگاه راهبردی کشورها باشد. در جهانی که رقابت بر سر فناوری‌های پیشرفته روزبه‌روز



فاطمه رشیدی احمدآبادی | پردیس علوم پزشکی شهید صدوقی،
عضو کارگروه جهادی و کارگروه انسانی



رسانه

مهندسی ادراک؛ نقش رسانه در بازتولید معنا از جنگ

استعمار و استثمار نرویم»، به نظر شما واکنش مردم چه خواهد بود؟

یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که رسانه‌ها در توجیه اقدامات اربابان خود ایفا می‌کنند، «کاشت فکر» است. پس از طرح یک دروغ بزرگ و آشکار، مزرعه‌های لایک و کامنت وارد میدان می‌شوند و این‌گونه القا می‌کنند که این روایت، حقیقتی قطعی است؛ در واقع، لایک‌ها و کامنت‌ها به دروغ، ظاهری باورپذیر می‌بخشند.

به‌طورکلی، در سال‌های اخیر، رسانه‌های غربی و شبکه‌های وابسته به آن‌ها در شست‌وشوی مغزی جوانان عملکرد موفقی داشته‌اند. همراهی سلبریتی‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی عمدتاً به تفرقه‌افکنی و دمیدن در آتش اغتشاشات مشغول‌اند، این روند را سرعت بخشیده است. در نتیجه، درک بخشی از جوانان از جنگی که در حال وقوع است، متفاوت و گاه نادرست شکل گرفته است.

جوانی که در جمهوری اسلامی زندگی می‌کند، در دانشگاه تحصیل می‌کند و امکان اشتغال نیز برایش فراهم است، ناگهان برمی‌خیزد و فریاد می‌زند: «چرا به‌جای ایجاد رفاه برای مردم، دنبال بمب اتم باشیم؟» یا «اصلاً موشک به چه دردی می‌خورد؟» این جوان که تحت تأثیر رسانه قرار گرفته و زمان زیادی را در فضای مجازی می‌گذراند، دیگر به دنبال پاسخ نیست؛ زیرا رسانه به او القا کرده که هیچ منطقی پشت پاسخ‌های دیگران وجود ندارد.

و اکنون، زمان آن می‌رسد که آخرین مرحله‌ی عملیات رسانه‌ای اجرا شود؛ جایی که احساسات

داستان از جایی آغاز می‌شود که رسانه‌ها در جهان، عموماً توسط انسان‌های فاسد اداره می‌شوند. جانیان و قاتلان جزیره‌ی اپستین، قلمرو رسانه را در اختیار گرفته‌اند.

محتواها توسط «مزرعه‌های لایک و کامنت» که مزدوران مجازی استکبارند، تولید و تقویت می‌شوند. این مزدوران، ذهن و تفکر کاربران این فضا را به تدریج آلوده و مسخ می‌کنند. در جنگ ادراکی، درک توده‌ی مردم از مسائل، اهمیت بسیار زیادی دارد؛ این که اگر جنگی رخ داد، بدانند این نبرد چرا شکل گرفته و دلیل مقاومت چیست. رسانه نقش اساسی در شکل‌گیری این درک ایفا می‌کند. اگر این درک به‌درستی هدایت شود، به حمایت مردم از دولت می‌انجامد و در غیر این صورت، زمینه‌ساز تفرقه و اختلاف در کشور خواهد شد. برای مثال: اگر رسانه بگوید: «جنگ شد چون مذاکره نکردیم و چون می‌خواستیم برخلاف قوانین بین‌المللی رفتار کنیم»، مردم دولت را محکوم می‌کنند و البته حق هم دارند؛ اما اگر رسانه بگوید: «جنگ شد چون تصمیم گرفتیم مستقل باشیم و زیر بار

جوان هوشمند، تمام تخم‌مرغ‌های فکری خود را در سبد یک جریان رسانه‌ای نمی‌گذارد.

م رسانه

البته منصفانه نیست که تمام این فرآیند را صرفاً به رسانه نسبت دهیم. واقعیت این است که جوان نیز مسئولیت دارد. او باید مطالعه کند و اگر زمانی را در فضای مجازی می‌گذراند، دست‌کم آن را میان روایت‌های مختلف تقسیم کند. باید برای ذهن و فکر خود ارزش قائل شود و آن را یک‌جا در اختیار یک جریان رسانه‌ای قرار ندهد؛ به عبارتی، همه‌ی تخم‌مرغ‌های خود را در یک سبد نگذارد. کاش این روزها، به‌جای دنبال کردن اخبار از رسانه‌های معاند و شبکه‌های اجتماعی تحت سلطه‌ی غرب، اندکی به مطالعه‌ی تاریخ بپردازیم تا دریابیم رسانه و تبلیغات چگونه در طول تاریخ موجب انحراف شده‌اند و چرا نباید هر رسانه‌ای را منبعی برای دریافت حقیقت دانست.

جوان به اوج می‌رسد. او به خیابان می‌آید و فریاد می‌زند: «ای جنایتکاران، قاتلان و آدم‌خواران! بیایید و ما را از دست رژیمی که تاکنون نازک‌تر از گل به ما نگفته است، نجات دهید!»
جنگ رسانه‌ای، جنگی نرم است که درک ما را از همه‌چیز - نه فقط جنگ - دستخوش تغییر می‌کند. به همین دلیل، آگاهی و صلاحیت افرادی که رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را اداره می‌کنند، اهمیت حیاتی دارد. همچنین ضروری است ابعاد مختلف جنگ و صلح به‌درستی تبیین شود تا جوان بتواند به این درک برسد که دلیل جنگ امروز، آزادی‌خواهی ملت بزرگ ایران اسلامی است؛ امری که با منافع استکبار سازگار نیست.

در واقع، اگر رسانه درست عمل کند، می‌تواند بسیار اثرگذار باشد؛ موضوعی که شواهد تاریخی نیز آن را تأیید می‌کند. در دوران امامت امیرالمؤمنین علی (ع)، زمانی که آن حضرت در محراب به شهادت رسیدند و خبر آن به مردم کوفه رسید، برخی با تعجب می‌پرسیدند: «مگر علی (ع) نماز می‌خواند؟» این نشان می‌دهد که تبلیغات دشمن حتی در آن زمان نیز توانسته بود درک مردم را دچار انحراف کند. امروز نیز شرایط، تفاوت ماهوی چندانی نکرده است؛ تنها ابزارها تغییر کرده‌اند. در گذشته، اخبار سینه‌به‌سینه منتقل می‌شد، اما امروز با یک اشاره، اخبار جعلی و دروغ در سراسر جهان منتشر می‌شود. به همین دلیل، غرب تلاش می‌کند رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را در اختیار داشته باشد تا بتواند اخبار را مطابق منافع خود روایت کند؛ چرا که در این میدان، تک‌تک کلمات و عبارات اهمیت دارند.



ف ریاد

نرگس معلمی | کارشناسی ریاضی دانشگاه علم و صنعت
عضو شورای تشکیلاتی

ت جولان باستان شناسان آمریکایی: تبخیر ثروت ملی

ایران، تمدنی شش هزار ساله دارد که با احتساب تمدن‌های بین‌النهرین، این رقم را می‌توان از این هم فراتر برد. این کشور کهن و درخشان، مانند هر نگین دیگری که نورش چشم دشمنان را می‌زند و طمع دزدان را برمی‌انگیزد، همواره دشمنانی نیز داشته است؛ از اسکندر مقدونی گرفته تا چنگیز مغول و صدراعظم خودفروخته‌ی ناصرالدین شاه، میرزا آقاخان نوری. دشمنان همواره آمده و رفته‌اند، اما آنچه ریشه در خاک تاریخ دارد، ایران ما بوده و هست. ما وارث تاریخ نیاکانمان و پرچمدار این مرزوبوم هستیم. اکنون، تن چنگیز مغول و اسکندر مقدونی در گور به خاکستر تبدیل شده و خدا می‌داند باد آن‌ها را به کجا برده است؛ اما برخی از دشمنان کور دل ایران هنوز در صدد تباہ کردن هوای پاک این جهان هستند و بر طبل جنگ علیه ما می‌کوبند. برخی از این دشمنان، کشورهایی هستند که عمری کمتر از درختان باغستان ایران دارند و دنیا آن‌ها را با نام «ایالات متحده آمریکا» و «رژیم غاصب صهیونیستی» می‌شناسد؛ رژیمی که حتی یک وجب خاک به نام خود ندارد!

بیا بید برگی از این تاریخ کهن را بازگو کنیم: رضاخان پهلوی در دوران حکومت خود، سه امتیاز درخور توجه را به سه دولت خارجی واگذار کرد که یکی از آن‌ها، واگذاری امتیاز آثار باستانی به آمریکا بود. شاید برای درک بهتر، لازم باشد چند صفحه به عقب برگردیم. زمانی که شاه قاجار در سال ۱۲۷۹ شمسی، در سفر به پاریس (که هرچه ما می‌کشیم



از سفر شاهان به اروپاست)، حق انحصاری و دائمی کاوش‌های باستانی در ایران را به فرانسه اعطا کرد. این پیمان، آثار تاریخی ایران را از دستبرد اروپاییان مصون کرد. همچنین، فرانسوی‌ها در این مدت، برخلاف تصور و با وجود حق انحصاری و دائمی خود، هیچ کاوشی در آثار باستانی انجام ندادند.

سال ۱۳۰۱، رضا خان، وزیر جنگ وقت، به تخت جمشید سفر کرد و شکوه و درعین حال ویرانی آن را از نزدیک دید. سال‌ها بعد، رضاخان با امتیازهای واگذارشده‌ی دوره قاجار مخالفت کرد، از جمله حق کاوش فرانسه. آمریکایی‌ها نیز از همان دوران نخست‌وزیری رضا خان، ززمه‌ی ورود به عرصه‌ی آثار باستانی ایران را آغاز کردند، به خصوص که فرانسه نتوانسته بود کاری انجام دهد. سرانجام، زور آمریکا و رضاخان چربید و در سال ۱۳۰۹، قانونی در مجلس به تصویب رسید که به آمریکا اجازه می‌داد فرانسه را کنار زده و آثار باستانی ایران را مفت و مجانی حفاری کند.

تاریخ



پایان نداشت. پس از تهدیدهای جدی و باج‌گیری به بهانه‌ی هزینه‌ای که دولت آمریکا برای حفاری در ایران کرده بود (مجموعاً ۷۱۰ هزار دلار)، دولت ایران تمام سی هزار لوح گلی کشف شده و انبوهی از مجسمه‌ها و کتیبه‌ها را اهدا کرد و البته که حق باستان‌شناسی آمریکا، یا به عبارتی، دزدیدن تاریخ ایران، همچنان پابرجا بود.

اما ماجرا به همین جا ختم نشد. پنج سال بعد، تمام این ماجراها تکرار شد و تهدیدها تا جایی پیش رفت که ایران به طرزی مفتضحانه، دوباره مجبور به واگذاری ۴۸۶ قطعه عتیقه از تخت جمشید به آمریکا شد. این داستان، از جمله اولین دخالت‌های مخرب، جدی و سازمان‌یافته‌ی آمریکا در ایران بود. ولی در دفتر دشمنی ایران و آمریکا، این چند سطر شاید در برابر سابقه‌ی صدساله‌ی این دو کشور، حتی در حد پاورقی هم نباشد. به ما نشان داده شد که حتی به اندازه‌ی یک دم نباید به آمریکا اعتماد کرد. نشان داده شد که نباید در کوچک‌ترین مسئله‌ی داخلی، بیگانه را دخیل دانست و هیچ، مطلقاً هیچ، خیری برای ایران در مصاحبت با این کشور نیست؛ چه اب‌قدرت باشد چه کشوری جهان‌سومی.

تاریخ بر سر ما فریاد می‌زند که: ای ایرانیان، چرا مشکلات داخلی را به امید حل شدن با دشمن خارجی در میان می‌گذارید؟ بر یکدیگر تکیه کنید؛ هم‌وطنان شاید گوشت یکدیگر را بخورند، ولی استخوان همدیگر را دور نمی‌اندازند، زیرا همه پرورش یافته در یک خاک‌اند.

اما ما که گوش شنوا نداریم؛ که اگر داشتیم، کودتای ۲۸ مرداد و نوژه رخ نمی‌داد. اگر گوش شنوا داشتیم، ساواک و برجام کلماتی ناآشنا بودند. اگر پند شنوی، تاریخ از آن لبریز است...

آمریکایی‌ها در روزهای اول، رضاخان را با لوح‌ها و سکه‌های باستانی زرانود غرق کردند؛ اما در این میان، هیچ وجدان‌بیداری یافت نشد که بپرسد چرا آمریکا باید دست به حفاری آثار باستانی ما بزند و تاریخمان را برایمان شناسایی کند؛ آن هم مجانی و بدون هیچ چشمداشتی؟!

آمریکا به دنبال چه می‌گردد و از این ماجراها چه سودی خواهد برد؟

آیا عاشق چشم و ابروی مشکی ما شده است؟ یا اهداف دیگری دارد؟

با توجه به علاقه‌ی رضاخان به باستان‌شناسی و نتایج مطلوب حفاری، مجلس نظارتی بر عملکرد آمریکا نداشت؛ اما همان‌طور که احتمالاً تاکنون حدس زده‌اید، آمریکا برای امور خیریه حفاری نمی‌کرد. مدت‌ها پس از آنکه ایران به آمریکا وابسته شد و در باستان‌شناسی به این کشور تکیه کرد، آمریکا طبق «قانون حفظ آثار ملی» مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۲، ماده‌ی یازدهم و چهاردهم، خواستار مالکیت نیمی از آثار کشف شده شد! لازم به ذکر است مصوبه‌ی مذکور را کارشناسان خارجی تهیه کرده و سه سال پیش بدون بحث و بررسی به تصویب مجلس رسیده بود.

پس از مخالفت دولت ایران، ایالات متحده، ایران را به حمله و بدنامی رسانه‌ای تهدید کرد؛ تهدیدی که برای شاه وقت ایران اهمیت زیادی داشت. پس از فشار آمریکایی‌ها و تعیین ضرب‌الاجل ده روزه، ایران به اهدای نصف آثار راضی شد، اما طمع آمریکایی‌ها

**بیگانه؛ کلیدِ قفل‌های ما
نیست پس بر یکدیگر
تکیه کنید؛ استخوانِ
هم‌وطن دور انداختنی
نیست.**

منابع:

- * ماهنامه تهران‌مصور، ش ۳۹۴۳
- * اسناد وزارت خارجه آمریکا، ش ۳۹۵۰ / ش ۴۰۰۰
- * مجلد سوم گزارش‌های باستان‌شناسی، ش ۴۲۰۸
- * روزنامه اطلاعات، ۱۹ و ۱۸ فروردین ۱۳۱۶
- * یادداشت‌های سید حسن تقی‌زاده
- * سالنامه دنیا
- * تاراج بزرگ



کوثر رستم‌پور فرد |
پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، عضو شورای عمومی
و عضو تشکیلاتی انجمن

تبیین؛

موتور حرکت یک ملت جهاد تبیین؛ سلاح راهبردی در میدان جنگ

استفاده از محصولات چندرسانه‌ای و مجازی:

هنر بهترین وسیله برای انعکاس مفاهیم و تبیین است. متأسفانه دشمنان از هنر هم استفاده می‌کنند. از شعر، نقاشی، داستان، فیلم، نمایش و... به عنوان ابزاری برای از بین بردن حقایق سوءاستفاده می‌کنند. بنابراین، هنر چیزهایی را منعکس می‌کند که بیان ساده و عادی نمی‌تواند آن را منتقل کند. باید از تصویر، نقاشی، عکاسی، فیلم، نمایش و... به طور گسترده استفاده کرد تا بتوان عظمت حضور مردم و تأثیر آن را برای کسانی که به چشم خود ندیده‌اند، نشان داد. افراد خوش‌فکر و صاحب استعداد نیز باید بر تولید محتوا تمرکز کنند.

مراجعه به مخاطب:

فضای مجازی چیز خوبی است، اما کافی نیست. میزگرد لازم است، سخنرانی لازم است، نشریه لازم است و بحث‌های چندنفره لازم است. هیچ چیز جای گفت‌وگوی رودررو را نمی‌گیرد. ناظر بر این موضوع، مسئولان باید با حضور در دانشگاه‌ها، از دانشجویان بشنوند و با آنان گفت‌وگو کنند.

تشکیل اجتماعات:

حضور فیزیکی و فکری در مسائل کشور از سوی مجموعه‌های دانشجویی حتماً لازم است. اجتماع درست این است که شما سالنی را در اختیار بگیرید و جمع شوید و دو یا سه نفر با مطالعه قبلی بروند و به‌طور استدلالی

آن‌ها با تکنیک‌های «ادراک‌سازی»، مشکلات معیشتی ناشی از تحریم‌های ظالمانه آمریکا را به کارآمدی نظام گره می‌زنند تا خشم اجتماعی را به سمت تقابل فیزیکی با حاکمیت هدایت کنند.

جنگ اخیر بین ایران و اسرائیل، اهمیت جهاد تبیین را بیش از پیش نمایان کرده است. رهبری و علما بر لزوم تبیین دقیق و مؤثر ابعاد این درگیری برای بسیج مردمی و حفظ انسجام ملی تأکید فراوانی داشته‌اند. در ادامه، به بررسی راهکارهای جهاد تبیین در این شرایط، بر اساس بیانات رهبری و علما، می‌پردازیم:

حلقه‌های معرفتی:

اینکه بین دو نماز یا بعد از نماز، امام جماعت بایستند و با مردم حرف بزنند یا مثلاً فرض کنید تخته سیاهی به مساجد ببرند و برای مردم تبیین کنند، یا بنشینند با جوان‌های مسجد حلقه‌های معرفتی تشکیل بدهند و سؤال‌اتشان را بشنوند؛ این موارد اکنون رایج است و باید روزه‌روز به کیفیت آن افزوده شود. مساجد و محله‌ها باید به عنوان مراکز اصلی تبیین و بسیج مردمی مورد استفاده قرار گیرند. برگزاری سخنرانی‌ها، جلسات پرسش و پاسخ و فعالیت‌های فرهنگی در این مکان‌ها می‌تواند به افزایش آگاهی و مشارکت مردمی کمک کند.

همانطور که رهبر شهید انقلاب خطاب به جوانان می‌فرمایند:

«شما جوانان عزیز و دانشجویان عزیز که به معنای واقعی کلمه میوه دل ملت و امید آینده این کشورید، به مسئله تبیین اهمیت بدهید.»

جوان‌ها باید امیدآفرینی کنند، باید توصیه به ایستادگی، توصیه به تنبلی نکردن و توصیه به خسته نشدن داشته باشند.

سخن بگویند؛ و این سخن به گوش مسئولان می‌رسد.

علما بر لزوم حفظ روحیه مقاومت و امیدواری در میان مردم تأکید کرده‌اند. ایشان معتقدند که پیروزی نهایی از آن ملت متحد و مقاوم است.

از طریق تأکید بر ارزش‌های اسلامی و ایرانی و تبیین نقش تاریخی و فرهنگی ایران در منطقه، سعی در تقویت هویت ملی و ایجاد حس همبستگی در میان مردم می‌شود.

در این راستا، باید با تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی، نقش مردم در پیروزی‌های گذشته و توانمندی‌های موجود، روحیه مقاومت و امیدواری را در میان مردم تقویت کرد. همچنین باید با ارائه تحلیل‌های دقیق از اوضاع منطقه و جهان، مردم را نسبت به آینده امیدوار کرد.

برگزاری تجمعات مردمی با هدف ابراز همبستگی و محکومیت جنایات اسرائیل می‌تواند به تقویت روحیه مقاومت و افزایش آگاهی عمومی کمک کند.



الهیات

سعيدآزاد پيمان |
دانشجوی پزشکی علوم پزشکی کاشان

نبرد امت و امام در آزمون فتنه‌ها

توحیدی و اسلامی اصیل خود بهره برد تا آنچه می‌بایست را با بصیرتی نافذ و عمیق رقم بزند. کمال فهم این سنت‌های الهی حاصل نمی‌شود مگر با بهره‌گیری از ثقلین شریف: مصحف کریم و قول و سیره‌ی ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام. لذاست که تدبر در آیات مبین قرآن کریم و مطالعه‌ی وقایع صدر اسلام، ضرورت جدی پیدا می‌کند. به برخی از مسائل مهمی که عنوان «الهیات نبرد» بدان اطلاق می‌شود، اشاره می‌کنیم. از جمله موضوعاتی که در بزنگاه‌ها مورد مناقشه قرار می‌گیرد، مسئله‌ی صلح و آتش‌بس است.

■ موضع اسلام در برابر دشمنی که مکرر پیمان شکنی کرده چیست؟

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَآةٍ مَّرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ أَتَيْتُمُوهُمْ فِي كِبَرِهِمْ لِيَرْجِئُوا كَيْدًا لَهُمْ فَتَوَلَّوهُمْ فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ أَكْثَرُ غَلَبًا إِنَّهُم يَحْذَرُونَ اللَّهَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَأْتِيَ الَّذِينَ لَا يَفْقَهُونَ كَلِمَاتَ اللَّهِ فَأَخَذُوا بِحُلِيِّ قَوْمِهِمْ فَمَا أَصْبَرُوا عَلَيْهَا وَمَا عَلَّمُوا الْقُرْآنَ الْحَرَامَ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

نزد خدا کسانی هستند که کافرند و [به سبب لجاجت و عنادشان] ایمان نمی‌آورند؛ همان کسانی که با آنان پیمان بستن، سپس هر بار عهد خود را می‌شکنند و پرهیز ندارند.

مشرکانی که امری به نام تعهد را باور ندارند: کَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَقْبَلُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضَوْنَ كُم بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ چگونه؟ در حالی که اگر بر شما چیره شوند، نه پیوند خویشاوندی را در حق شما رعایت می‌کنند و نه پیمانی را! شما را با زبان‌شان خوشنود می‌کنند، ولی دل‌هایشان از خوشنود کردن شما امتناع دارد و بیشترشان فاسق‌اند.

عقب‌نشینی غیر تاکتیکی چه نتیجه‌ای را به دنبال دارد؟ وَمَنْ يُؤْلَمْ يَوْمَئِذٍ ذِبْرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ

فَكَأَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَكَأَنَّ الآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ كَوَيْبِي دنیایی نبوده و آنچه هست، همواره آخرت است... در یکی از زیباترین و الهی‌ترین صحنه‌های تاریخ بشر، بر آن شدیم که خود را در این دریای نور شریک کنیم؛ هرچند در قبال عظمت عنایت‌شده به این امت و امامشان، خود را هیچ می‌پنداریم. استقامت و عزتمندی انسان‌ها از ارزشمندترین و جذاب‌ترین پدیده‌هایی‌ست که تاریخ به نظاره‌ی آن می‌نشیند. نکته اینجاست که این مقاومت، ملازم همیشگی هجرت و مجاهدت است و مجاهدان در میان تاریکی‌های عصر خود، عجیب می‌درخشند. لذا در دورانی که ظلمت فراگیر می‌شود، فضا برای درخشش مهیاست؛ بزرگ‌ترین عزتمندان عالم در همین مواقع جلوه می‌کنند.

اما استقامت انسان، بسته به معرفتی‌ست که نسبت به حضرت باری تعالی و قواعد حاکم بر عالم دارد. لذا یکی از بهترین بسترهایی که برای تبیین الهیات اصیل نبرد و جهاد مهیاست، همین عصر و عرصه‌ای‌ست که در آن زیست می‌کنیم. مقدمه‌ی مهمی که باید به آن پردازیم، این است که محصور شدن در محاسبات مادی و دنیوی، روندی باطل است که دشمن به آن تکیه دارد؛ در حالی که امت مؤمن و موحد باید از آبشخور

«اعبدوا الله و اجتنبوا
الطاغوت»؛ منشور جاودانه‌ی
تمام انبیای الهی.

مهم، در رابطه با مردم از اثرگذاری بیشتری برخوردار است. چه آنکه اهل بیت علیهم السلام، با وجود کمال در علم و ایمان و عمل، به دلیل ضعف انصار، نتوانستند تمام آرمان‌های دینی را محقق سازند.

لذا می‌بایست ملت بصیر، با استقامت مجاهدانه، موجبات بسط ید ولی امت را فراهم سازند تا ان شاء الله عهد خود را نسبت به آن دست پنهان و یار غایب، وفادار بمانند.

قرآن کریم و سیره‌ی ائمه‌ی اطهار علیهم السلام سرشار از قواعدی است که در ساحات گوناگون زندگی انسان جاری هستند، حال آنکه ما از آن‌ها غافلیم. لذاست که دستگاه تحلیلی عده‌ای از ما، موازی با نظام ارزش‌گذاری غربی است و همین امر موجب استحاله در اهداف می‌شود.

و البته میزان استقامت، بسته به اهداف انسان است. باشد که این هم‌صحبتی، منشأ خیری باشد تا بیش از پیش با معارف اصیل دین مبین مأنوس شویم و توحید را در سرتاسر حیات خود جاری کنیم؛ که اساس دعوت تمام انبیا از آدم تا خاتم همین بوده است: **أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...**

پ.ن: مطالعه‌ی منظومه‌ی فکری قائد شهید، از بهترین مجاری آشنایی با این معارف ناب است.

مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِعَصَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمَ وَيُنَسِّسُ الْمَصِيرُ هر کس در آن موقعیت به آنان پشت کند [و بگریزد]، سزاوار خشمی از سوی خدا می‌شود و جایگاهش دوزخ است، مگر آنکه این کناره‌گیری برای تدبیر جنگ یا پیوستن به گروهی دیگر از مجاهدان باشد.

تاریخ را رصد کنیم؛ صلح امام حسن علیه السلام یکی از موارد مهم و اساسی در تاریخ اسلام است که باید مورد مطالعه قرار گیرد. بازخوانی و تحلیل این واقعه به درک بهتر این موضوع کمک می‌کند.

پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام سپاهی از کوفه را برای جنگ با معاویه تدارک دیدند؛ اما به دلیل سستی فرماندهان و بی‌بصیرتی امت، دو لشکر از این سپاه از هم پاشید. در این میان، مردم نیز تمایزی میان معاویه و امام قائل نبودند؛ در واقع، توان تشخیص نفاق معاویه را نداشتند و جنگ را نزاعی بر سر قدرت‌های دنیوی تلقی می‌کردند. لذا در این مرحله، شهادت امام به احیای دین خدا و امت اسلام کمک نمی‌کرد. این گونه شد که امام ناچار به صلح با معاویه شدند. آری، زمانی قله‌های حاکمیت الهی فتح می‌شود که امام و امت، ایمان و استقامت را به کار ببندند؛ و این



از دیپلماسی تا اقدام نظامی

سناریوهای پاسخ ایران به آمریکا و اسرائیل

محمد صادق روشنایی |

پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

روابطش با شوروی زیر تحریم قرار داشت، از تحریم خارج شد و حمایت‌های گسترده نظامی و اقتصادی از آن انجام گرفت. در نهایت، هشت سال جنگ به پایان رسید و چیزی جز شکست نصیب این سیاست‌ها نشد.

پس از پایان جنگ، دورانی جدید در تاریخ انقلاب آغاز شد؛ دوره‌ای که تمرکز بر تقویت زیرساخت‌ها و توان داخلی قرار گرفت. اصول تعیین شده در این مرحله، باعث فاصله گرفتن کشور از درگیری‌های منطقه‌ای شد و تمام ظرفیت ملی بر رشد و استحکام داخلی متمرکز گردید. در همین دوره، توان نظامی ایران به سطحی رسید که قدرت‌های بزرگ صنایع نظامی در مقایسه با آن با ضعف و ناتوانی مواجه شدند.

اکنون دوره‌ای جدید در مسیر انقلاب آغاز شده است؛ دورانی که از آن با عنوان «دوره قدرت» یاد می‌شود. این مرحله با حادثه‌ای بزرگ یعنی شهادت رهبر ایران و مقتدای شیعیان جهان آغاز شد؛ رخدادی که به‌منزله عبور کامل از مرحله انباشت قدرت و ورود به مرحله استفاده از آن تلقی می‌شود.

در وضعیت کنونی، تمامی ظرفیت‌ها برای تغییر شرایط منطقه و معادلات جهانی به کار گرفته شده‌اند. در این مرحله، سخن از پاسخ نظامی صرف نیست؛ بلکه تحولی در موازین قدرت جهانی در حال شکل‌گیری است. سازوکارهای دیپلماتیک پیشین از کارایی افتاده‌اند. در بررسی جزئی‌تر، سه جبهه اصلی در پاسخ ایران

تمام جنگ‌ها و درگیری‌ها در جهان، همانند جنگ میان ایران، آمریکا و اسرائیل در لحظه آغاز، در قالب عملیات نظامی شکل نگرفته است؛ بلکه این گزینه سال‌ها پیش بر میز تصمیم‌گیران هر دو طرف قرار داشته است. آغاز داستان به روزهای نخست انقلاب اسلامی بازمی‌گردد.

از همان ابتدا، درگیری‌های حقوقی و تهدیدهای نظامی بخشی جدانشدنی از روابط میان دو کشور بوده‌اند. تسخیر لانه جاسوسی به‌عنوان نخستین نقطه عطف این تقابل شناخته می‌شود؛ نقطه‌ای که نشان داد خوش‌بینی، حتی در سطحی که در دوران پیش از انقلاب وجود داشت، مانع از دخالت‌ها در امور داخلی کشور نخواهد شد.

در صورتی که دولت عراق پیش‌قدم نمی‌شد و روی جنگ با ایران قمار نمی‌کرد، احتمال داشت آمریکا که در آن دوران با فشارهای سیاسی داخلی روبه‌رو بود، وارد این رویارویی شود. با این حال، ایالات متحده بی‌تحرك نماند؛ عراق که به دلیل

نتیجه این نبرد، امنیتی پایدار و بلندمدت برای کشور خواهد بود؛ همان‌طور که دفاع مقدس هشت‌ساله زمینه نفوذ تفکر اسلام انقلابی تا عمق عراق را فراهم ساخت



به‌عنوان عرصه‌های تهاجم شناخته می‌شوند: نخست، حملات به مواضع رژیم اسرائیل که بر اساس اصل «چشم در برابر چشم» دنبال می‌شود؛ دوم، آتش‌باران پایگاه‌های آمریکایی که با مشارکت گروه‌های هم‌جهت در منطقه انجام می‌گیرد و ثبات سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار داده است؛

و سوم، محور دریایی تنگه هرمز که در آن، توان دریایی کشور اثرات جهانی برجای گذاشته و واقعیت توازن قدرت را تغییر داده است. در این منطقه، جهان به‌روشنی مشاهده کرده است که ناوهای عظیم قدرت‌های غربی در برابر اراده و فناوری بومی، بی‌اثر مانده‌اند.

در این سه میدان، اهداف اصلی دنبال می‌شوند: نابودی کامل رژیم صهیونیستی به‌عنوان هدف نهایی جبهه نخست؛ اعلام موضع جدید در قبال کشورهایی که در قالب معاهداتی مانند «ابراهیم» از دشمنان ایران حمایت می‌کنند؛ و در سطح جهانی، نمایش نفوذ ایران در جریان بسته شدن تنگه هرمز که وابستگی اقتصاد جهانی به صادرات نفت را آشکار کرده است. در هفته‌های ابتدایی جنگ، اثر این وضعیت بر زندگی مردم جهان محسوس شده است.

نتیجه این نبرد، امنیتی پایدار و بلندمدت برای کشور خواهد بود؛ همان‌طور که دفاع مقدس هشت‌ساله زمینه نفوذ تفکر اسلام انقلابی تا عمق عراق را فراهم ساخت، این مرحله نیز گسترش نفوذ فکری و سیاسی ایران در عرصه جهانی را به دنبال دارد.

در این مقطع، پشتیبانی مردمی از نیروهای دفاعی به بالاترین حد خود رسیده است. علاوه بر آن، صنعت دفاعی پیشرفته کشور، با وجود برخی کاستی‌ها، نقاط قوتی برجسته دارد که توانایی تعیین سرنوشت میدان نبرد را فراهم کرده است. مهم‌تر از همه، نیروی معنوی ناشی از اعتقاد شیعی، هویت و معنای این نبرد را تعیین می‌کند؛ عاملی که ساختار قدرت در خاورمیانه را دگرگون کرده و عرصه نفوذ قدرت‌های غربی را به باتلاقی از شکست و سردرگمی تبدیل کرده است.

بازار انرژی در دستان ایران

تنگه هرمز در قلب بحران: تهدید برای جهان، فرصت برای ایران

محمد مهدی حسینی | پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم
مدیر مسئول نشریه راه و دبیر تشکیلات انجمن اسلامی

جنگ ایران و اسرائیل و بسته شدن تنگه هرمز، بار دیگر این واقعیت را به جهان یادآوری کرده است. تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین نقاط استراتژیک انرژی در جهان محسوب می‌شود. بر اساس آخرین آمار، حدود ۲۰ تا ۲۳ درصد از نفت مصرفی جهان و ۲۷ تا ۲۹ درصد از تجارت جهانی نفت از این گذرگاه باریک عبور می‌کند. این رقم معادل ۲۰ تا ۲۴ میلیون بشکه در روز است که بخش عمده‌ای از نفت خام و میعانات کشورهای عضو اوپک را شامل می‌شود.

کشورهای عربستان، عراق، امارات، کویت و ایران بزرگ‌ترین صادرکنندگانی هستند که به این آبراه وابسته‌اند. جالب اینکه حدود ۸۴ درصد این نفت به مقصد آسیا، به‌ویژه چین و هند روانه می‌شود. این ارقام نشان می‌دهد که هرگونه اختلال در تنگه هرمز، نه یک بحران منطقه‌ای، بلکه شوکی جهانی است که دودش در چشم همه کشورها خواهد رفت.

در شرایط فعلی، آمریکا به دنبال کاهش تحریم‌های نفتی روسیه برای تزریق نفت به بازار است، اما واقعیت این است که روسیه نیز نمی‌تواند خلأ ناشی از بسته شدن تنگه هرمز را پر کند. بر اساس برآوردهای کارشناسی، حداکثر ظرفیت افزایش تولید روسیه در کوتاه‌مدت حدود ۲ میلیون بشکه در روز است. این در حالی است که تنگه هرمز روزانه حدود ۲۴ میلیون بشکه صادرات داشته است. این یعنی روسیه نمی‌تواند حتی ۱۰ درصد از این کمبود را جبران کند.

انرژی تنها یک کالای تجاری نیست؛ بلکه ماده اولیه‌ای است که تمام زنجیره تأمین کالاها در جهان به آن وابسته است. هنگامی که قیمت نفت افزایش می‌یابد، این شوک قیمتی به سرعت به تمام صنایع سرایت می‌کند. حمل و نقل گران‌تر می‌شود، هزینه تولید افزایش می‌یابد و در نهایت، مصرف‌کننده نهایی باید قیمت بالاتری برای هر کالایی پرداخت کند. به همین دلیل، هرگونه تنش در مسیر انتقال نفت می‌تواند تورم را به اقتصاد جهانی تزریق کرده و رشد اقتصادی را صفر و یا حتی منفی کند.



در شرایط فعلی، آمریکا به دنبال کاهش تحریم‌های نفتی روسیه برای تزریق نفت به بازار است، اما واقعیت این است که روسیه نیز نمی‌تواند خلأ ناشی از بسته شدن تنگه هرمز را پر کند.

برگشت نبسته است. به بیان دقیق تر، ایران نه مین ریزی کرده و نه کشتی‌هایی را در آبراه اصلی غرق کرده است. آنچه تردد را متوقف کرده، صرفاً افزایش ریسک امنیتی و لغو پوشش بیمه توسط شرکت‌های بین‌المللی است. اما اگر ایران دست به اقدامات غیرقابل برگشت مانند مین‌ریزی گسترده بزند، قیمت نفت به سرعت از ۱۰۰ دلار عبور کرده و در سناریوی محتمل، در محدوده ۱۲۰ تا ۲۰۰ دلار تثبیت خواهد شد.

علاوه بر این، هنوز پای یمن به میدان باز نشده است. فعال شدن جبهه یمن و حملات به تأسیسات آرامکو، به‌ویژه بندر راهبردی راس تنوره که بزرگ‌ترین تأسیسات بارگیری نفت جهان است، و نیز نابودی مسیر جایگزین عربستان در دریای سرخ می‌تواند برگ برنده تهران در جنگ انرژی باشد. در نهایت، آنچه در این میان خودنمایی می‌کند، برتری استراتژیک ایران در معادله انرژی جهان است. ایران توانسته است تردد در شاه‌رگ حیاتی اقتصاد جهان را متوقف کند.

نفت روسیه نیز نمی‌تواند جایگزین نفت عبوری از تنگه هرمز شود، خطوط لوله جایگزین نیز ظرفیت محدودی دارند و یمن همچون شمشیر، بالای سر مسیرهای جایگزین هستند. در این بازی پیچیده، بازار انرژی جهان در دستان ایران است و تهران تعیین‌کننده نهایی قیمت نفت در روزهای آینده خواهد بود.

کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز به دنبال راه‌های جایگزین برای صادرات نفت خود افتاده‌اند. عربستان سعودی خط لوله شرق-غرب را در اختیار دارد که نفت را از میدین شرقی به ینبع در دریای سرخ منتقل می‌کند. امارات نیز خط لوله حبشان به فجیره را برای دور زدن تنگه ساخته است. اما این راه‌ها با محدودیت‌های جدی مواجه‌اند. خط لوله عربستان حداکثر ظرفیت ۵ میلیون بشکه دارد و برای افزایش آن با محدودیت‌های لجستیکی در بندر ینبع روبه‌روست. از سوی دیگر، کشورهای حاشیه خلیج فارس با مشکل اشباع مخازن مواجه شده‌اند و تنها چند روز ظرفیت ذخیره‌سازی دارند و بعد از آن مجبور به کاهش تولید خواهند بود.

نکته مهم این است که ایران تاکنون تنگه را به‌طور غیرقابل



هیئات من الذله: ایستادگی در برابر سلطه

تأثیر فرهنگی جنگ رمضان بر مردم منطقه

فاطمه توکلی | پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
نویسنده و عضو رسانه پایگاه بسیج دانشگاه

در این تهاجم ددمنشانه، کشورهای حوزه خلیج فارس به آمریکا و رژیم اشغالگر قدس اجازه دادند تا از جغرافیای آن‌ها برای آسیب رساندن به ایران استفاده کنند. نیروهای جان‌برکف ایران، با استعانت از خداوند و الهام از مکتب عاشورا، در اقدامی دفاعی مشروع، پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشورها را هدف حملات موشکی قرار دادند. با این حال، آمریکا به جای یاری رساندن به هم‌پیمانان خود، تمام توانش را صرف جلوگیری از آسیب به رژیم اشغالگر قدس نمود. با ایجاد محدودیت در تنگه هرمز، تجارت دریایی این کشورها متوقف شد و ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن، علی‌رغم وعده اسکورت، منطقه را ترک کرد. شاید حکام کشورهای حوزه خلیج فارس علناً این موضوع را بیان نکنند، اما آن‌ها نیز با وجود در اختیار قرار دادن منابع به آمریکا، قربانی این اعتماد نابه‌جا شدند و امنیت و آرامش خود را از دست دادند. چندی پیش، آن‌ها آمریکا را قدرت مطلق منطقه می‌دانستند، اما به زودی شاهد زانو زدن آن‌ها و طلب بخشش از ایران خواهیم بود. علاوه بر این، این نبرد، جانی دوباره به کالبد شیعیان مظلوم بحرین دمید؛ ملتی که سال‌هاست زیر سلطه حاکمان خود فروخته و وهابی‌زندی می‌کنند و زمانی با ترفند امپریالیسم از وطن اصلی خود، ایران، جدا شدند. در این کارزار، نیروهای حزب‌الله و حشد الشعبی نیز با تمام توان در کنار ایران ایستاده‌اند و برادران حوثی نیز آماده نبرد آخرالزمانی میان خیر و شر هستند.

در تاریخ ۹ اسفندماه ۱۴۰۴، آمریکای جنایتکار و رژیم اشغالگر قدس به خاک ایران حمله کردند. حمله‌ای که تصور می‌شد به سرعت به اهداف مورد نظر مهاجمان ختم شود، اما مشیت الهی فراتر از تصورات آنان بود. در پی این حمله، رهبر عالی‌قدر ایران، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. این واقعه، موجی عظیم در جهان، به‌ویژه در کشورهای همسایه، پدید آورد. در پاکستان، مردم در اعتراض به این جنایت، به کنسولگری ایالات متحده در کراچی و لاهور یورش بردند و با تقدیم بیش از ۴۰ شهید، موجب تعطیلی این مراکز شدند تا دست تجاوزکاران را از منطقه کوتاه کنند. هم‌زمان، شیعیان عراق نیز به سمت کنسولگری آمریکا در منطقه سبز بغداد حرکت کردند، اما با واکنش خشن نیروهای آمریکایی روبرو شدند. پیروان اهل بیت (ع) در هند نیز به سوگ نشستند.

این جنگ به شکلی خارق‌العاده، تشیع را به تیتراول اخبار جهان تبدیل کرد. جهان در شگفتی فرو رفته است که چگونه ملتی، پس از تحمل شهادت رهبر خود، همچنان به نبرد ادامه می‌دهد

ایستادگی سربازان ایرانی در برابر متجاوزان، علاوه بر ایجاد موجی منطقه‌ای در حمایت از ایران، تأثیر عمیق و فراگیری در سطح جهان گذاشته است. مردم کشورهای آمریکایی، اروپایی و شرق آسیا نیز در کنار اهالی منطقه، انزجار خود را نسبت به این نبرد ناجوانمردانه اعلام کرده و تمام‌قد از ایران حمایت نمودند. این جنگ به شکلی خارق‌العاده، تشیع را به تیترو اول اخبار جهان تبدیل کرد. جهان در شگفتی فرو رفته است که چگونه ملتی، پس از تحمل شهادت رهبر خود، همچنان به نبرد ادامه می‌دهد؛ چگونه ملتی زیر موشک‌باران، در تجمعات شبانه حاضر شده و تنها یک پاسخ برای این ایستادگی وجود دارد: باور عمیق به شعار جاودانه "هیئات منا الذله". مرگ در بستریا در خفا چه سودی دارد؟ زیباییست که جان در میدان نبرد به محبوب سپرده شود. از سوی دیگر، قیام بزرگ ما را فرا می‌خواند و اکنون فرمانده ما، صاحب‌الزمان (عج) است. ما با الگوگیری از سیدالشهدا (ع)، جان‌برکف به سوی ظهور گام برمی‌داریم. اکنون جهان نظاره‌گر آن است که تشیع چه اکسیر حیاتی است؛ باوری که از همان ابتدا، خلفا کمر به نابودی آن بسته بودند، غافل از اینکه حق و حقانیت هیچ‌گاه از بین نخواهد رفت.



دشمنی دیرینه با ایران؛

افشار اقتصادی تا تلاش برای بی‌ثبات‌سازی

از تحریم و جنگ رسانه‌ای تا تلاش برای تجزیه ایران

زیب سلمانی | کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور پاکدشت

و دیگر رسانه‌ها تبلیغات گسترده‌ای علیه نظام اسلامی ایران به راه انداختند. آن‌ها با انتشار اخبار و کلیپ‌های فراوان ضد نظام، تلاش کردند ایران را کشوری ویران و ناپس‌ان نشان دهند. در این تصویرسازی‌ها، زندگی در ایران بسیار طاقت‌فرسا به نمایش گذاشته می‌شد و در مقابل، کشورهای خارجی و سیاست‌های آنان همواره زیبا، پیشرفته و مرفه جلوه داده می‌شد. هدف از این تصویرسازی‌ها آن بود که بخشی از نوجوانان و جوانان ایرانی دچار احساس خلأ، ناامیدی و نارضایتی شوند.

در ادامه، مرحله‌ی نفوذ و ایجاد آشوب آغاز شد؛ مرحله‌ای که در آن اسرائیل نقش کلیدی داشت. به‌وسیله‌ی گروه‌های نفوذی خود، از جمله موساد، تلاش می‌شد شرایط به نقطه‌ی بحرانی برسد. افراد نفوذی در انتظار بودند تا عده‌ای از نوجوانان و جوانان که نسبت به مسائل اقتصادی معترض بودند، به خیابان‌ها بیایند. در چنین شرایطی، عوامل وابسته به این جریان‌ها خود را با مردم هم‌رنگ می‌کردند و تلاش داشتند اعتراض‌ها را علیه حکومت و نظام کشور جلوه دهند. در این میان، متأسفانه عده‌ای نیز کشته می‌شدند تا چنین القا شود که این اقدامات نتیجه‌ی سرکوب از سوی نظام

دشمنی دولت‌مردان رژیم صهیونیستی و آمریکا با ایران، دشمنی‌ای دیرینه است. اگر به تاریخ خود به‌خوبی بنگریم، به‌وضوح می‌بینیم که آن‌ها همواره به دنبال نابودی ایران بوده‌اند. آنان می‌دانستند که هیچ‌گاه نمی‌توانند با حمله‌ی نظامی مستقیم، ایران را شکست دهند؛ از همین رو تصمیم گرفتند ایران را از درون، با اجرای سیاست‌های خود بر روی مردم، تضعیف و نابود کنند.

در گام نخست، از سوی آمریکا تحریم‌های سخت و گسترده‌ای اعمال شد که فشار اقتصادی شدیدی به مردم وارد کرد. با این حال، چرخه‌ی زندگی در کشور همچنان ادامه داشت و جامعه با وجود دشواری‌ها به مسیر خود ادامه می‌داد. پس از آن، مرحله‌ی جنگ رسانه‌ای آغاز شد. رسانه‌های خارجی همچون اینترنشنال، بی‌بی‌سی، اینستاگرام

این جنگ به شکلی خارق‌العاده، تشیع را به تیتراول اخبار جهان تبدیل کرد. جهان در شگفتی فرو رفته است که چگونه ملتی، پس از تحمل شهادت رهبر خود، همچنان به نبرد ادامه می‌دهد

پس از شکست این پروژه و محقق نشدن رؤیای براندازی در ایران، و همچنین ناکامی آنان در همراه کردن مردم آگاه ایران زمین، مسیر دیگری در پیش گرفته شد و به سوی حمله‌ی نظامی علیه ایران حرکت کردند. مقصود آنان از تمامی این اتفاقات، از فشار اقتصادی و جنگ رسانه‌ای گرفته تا اقدامات امنیتی و حتی حمله‌ی نظامی، تنها یک چیز است: تجزیه‌ی کشور عزیزمان ایران.

اما این امید واهی را با خود به گور خواهند برد. رهبر عزیزمان پیش از شهادتش، فرزندان این سرزمین را با یکدیگر متحد کرده بود و آسوده‌خاطر دعوت حق را لبیک گفت.

است. هم‌زمان، رسانه‌های خارجی این رویدادها را به‌طور مداوم بازتاب می‌دادند تا این روایت را تثبیت کنند که نظام اسلامی ایران معترضان را سرکوب می‌کند. پس از این رخدادها، رئیس‌جمهور آمریکا و رضا پهلوی با صدور بیانیه‌هایی خطاب به مردم ایران اعلام می‌کردند که برای آنان دموکراسی و آزادی خواهند آورد و از مردم می‌خواستند به خیابان‌ها بیایند و علیه نظام خود اقدام کنند. با این حال، به حمدالله مردم ایران آگاهی کافی از این نقشه‌ها داشتند. هرچند گروهی از اغتشاش‌گران با کمک عوامل نفوذی تلاش می‌کردند فضای عمومی جامعه را متشنج کنند، اما این پروژه به نتیجه‌ی مورد نظر آنان نرسید.



بعرضتون

چنانچه حادثه ای برای کشور پیش بیاید،
خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد
و کار را مردم تمام خواهند کرد.

سید علی خامنه‌ای

رهبر شهید انقلاب اسلامی | ۱۴۰۴/۱۱/۲۲

KHAMENEI.IR

